

حق بر معیشت در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی

فاطمه افشاری راد^۱، مینا افشاری یامچلو^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق مالی - اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین زهرا

^۲ کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به تفسیر حق بر معیشت در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی می پردازیم، حق بر معیشت چه جایگاهی در نظام حقوقی ایران دارد؟ نتایج نشان می دهد حق بر معیشت شامل حق بر تغذیه، حق بر سلامتی، حق بر کار، حق بر آموزش و .. می باشد در مجموع حق بر معیشت جایگاه مهمی در حقوق ایران و اسناد بین المللی دارد و جزیی از حقوق اولیه انسانها بشمار می آید، حق معاش تأمین هم نیازهای فردی و هم ضرورت های اجتماعی را دربر می گیرد. هر چند حد و مرز مفهوم معاش ثابت و روشن است، لیکن مصادیق آن با توجه به شرایط زمان و مکان در تغییرند. مصادیق معاش افراد هر جامعه بر پایه سطح معیشت آن جامعه تبیین می شود. سطح معیشت در حقیقت شاخص استاندارد زندگی است که بر اساس مجموعه امکانات و محدودیت های یک جامعه در راستای تأمین نیازهای فردی و ضرورت های اجتماعی، مشخص می شود. از این رو، با توجه به نسبی بودن امکانات و محدودیت های جوامع و تفاوت ضرورت های اجتماعی آنان، سطح معیشت مردم همواره یکسان نیست، حق معیشت در نظام حقوقی ایران به صراحت مورد تاکید قرار نگرفته است و قانونگذار توجه چندانی به این حق نداشته است و در قوانین مختلف مانند قانون اساسی، قوانین مربوط به بیمه، و قوانین مرتبط با کار به طور غیر مستقیم به آن اشاره شده است، اسناد بین المللی حق بر معیشت را به طور جدی مورد تاکید قرار داده اند مانند سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و بهداشت جهانی و تکالیف دولتها را در این زمینه مشخص نموده اند.

واژه های کلیدی: حق بر معیشت، نظام حقوقی ایران، اسناد بین المللی، حقوق بشر، قانون اساسی، کشاورزی ملل متحد (فائو)

۱- مقدمه

حق معاش انسان حقی است که امکان بهره مندی هر فرد از سبب کالایی مطابق سطح معیشت همان عصر را فراهم میکند و سطح معیشت در حقیقت شاخص استاندارد زندگی است که بر اساس مجموعه امکانات و محدودیتهای یک جامعه در راستای تأمین نیازهای فردی و ضرورت های اجتماعی، مشخص میشود. طبق تعریف، نیازهایی زیستی که برای ادامه حیات جسمانی انسان ضروری است، نیازهای فردی، و الزامات اجتماعی که برای تحقق هدف خلقت وی ضرورت می یابد، ضرورت های اجتماعی مینامیم. هرچند دیرزمانی نیست که حق بر غذا به عنوان یکی از اصول بنیادین بشری بر زبان های دانشگاهی جاری شده و ساماندهی حوزه های مختلف آن به دغدغه ای برای سیاست گذاران بدل شده است، ولی چارچوب های کلی و بنیادین آن به دوران باستان بازمی گردد. همان زمان که در مصر و روم باستان بایدها و نبایدهای غذایی به پیروان ابلاغ شد یا دستورالعمل هایی که در اسلام برای غذاهای حلال و حرام وجود داشت، همگی جلوه های اولیه حق بر غذا بود. در چارچوب حقوق بین الملل، آن چه ذیل عنوان حق بر غذا مطرح می شود، دسترسی پایدار به غذا و مسئولیت دولت ها در تأمین غذای انسان ها و مبارزه با گرسنگی و رنج ناشی از آن است. اما، موضوع فقط این نیست. تأمین امنیت غذایی و رعایت کرامت انسانی در تولید محصولات غذایی و حتی در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی و اجتماعی ناظر بر غذا، کیفیت و کمیّت آن، همچنین از زمره ی موضوعاتی هستند که از این حق بنیادین، یک وجه بشری و انسان مدار ساخته اند. حق بر تغذیه سالم و مناسب به لحاظ کیفی و کمی به عنوان یک حق بشری و زیرمجموعه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، خود پیش شرط تحقق سایر حق های بشری است که برای نخستین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مورد تصریح قرار گرفته است و پس از آن در سایر اسناد بین المللی نیز، پیش بینی شد. حق بر غذا اصول، چارچوب ها و چالش هایی دارد. آن چه مهم است، سیر پیشرونده مقرراتی است که در طول دهه های گذشته در زمینه حق بر غذا وضع و اعمال شده است. تأمین نیازهای حیاتی بشر از جمله حقوق اولیه و بنیادینی است که برای حفظ و استمرار حیات ضروری است. نظام بین الملل با هدف تأمین حقوق اساسی بشر، کمک به رشد اجتماعی و شرایط زندگی بهتر و تأمین صلح و امنیت بین المللی توسط سازمان ملل متحد ایجاد گردیده است. تدوین و توسعه حقوق بین الملل از مهمترین برنامه ها و رسالت های سازمان ملل متحد برای حمایت و کمک به تحقق اهداف یاد شده است، با توجه به اینکه غذا نیز از اصلی ترین عوامل حفظ و استمرار حیات انسان بوده و از نیازهای اولیه و بنیادی بشر برای زندگی است لذا این مهم هم مدنظر نظام حقوق بین الملل بوده است، نظام حقوقی بین الملل، اصول و قواعد مربوط به حفظ و صیانت جامعه بین المللی را تدوین نموده است، آگاهی از وجود، ماهیت و عملکرد این اصول و قواعد می تواند به کارآمدی حقوق بین الملل در جهت تحقق حقوق انسانها مفید و موثر باشد. در حال حاضر، بر مبنای کرامت انسانی حق بر غذا در اسناد حقوق بین الملل بشر تعهدات متعددی را به کشورهای عضو جهت تأمین غذا تحمیل می نماید که مکانیزم های مختلفی جهت رسیدگی به نقض آن و جبران خسارت برای افراد متأثر از آن پیش بینی شده است.

این رویکرد در اسناد حقوق بین الملل بشردوستانه تا آن حد پیش رفته که استفاده از ابزار گرسنگی، نابود یا غیر قابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیر نظامی، ممانعت از دریافت کمک های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه به ویژه مخاصمات بین المللی را به منزله جنایات جنگی، ژنوساید و جنایات علیه بشریت قلمداد گردیده است. همچنین، حق دادخواهی در مورد نقض حق غذا از طریق نهادهای مختلف بین المللی از قبیل دیوان کیفری بین المللی، شورای امنیت و... به رسمیت شناخته شده است. از دیگر موارد مهم حق معیشت بحث مسکن می باشد، حق مسکن حق داشتن مسکن و پناهگاه مناسب است. این حق در بسیاری از قوانین اساسی ملت ها و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. حق مسکن از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز محسوب می‌شود. مسکن افراد مورد توجه و حمایت ادیان و جوامع بشری بوده و در جهت حفظ حرمت آن تلاش‌های زیادی شده است. بنحوی که در قانون حمورابی که قدیمی‌ترین قانون می‌باشد برای مرتکبین جرم هتک حرمت منازل مجازات بسیار شدید (مرگ) پیش بینی شده بود. نقض حق مسکن، از جرائم علیه شخصیت معنوی افراد بشمار می‌رود و رابطه مستقیم با آرامش روحی و آسایش جسمی ساکنان خانه دارد. در اجتماعات بشری همواره املاک مسکونی و غیر مسکونی اشخاص محترم و مصون از تعرض تعریف شده است. در ابتدا حق مسکن و لزوم رعایت حرمت آن جنبه مذهبی داشت ولی بعدها قوانین عرفی هم بر آن صحنه گذاشتند. انقلاب کبیر فرانسه و اصول و قوانین متأثر از آن این آزادی را بار دیگر تضمین و تجاوز به آن را جرم دانست. از دیگر موارد مهم حق معیشت بحث بهداشت و درمان می‌باشد، در حقوق ایران بر حق بر بهداشت و سلامت توجه ویژه ای شده و قوانین و مقررات جامعی در این زمینه وجود دارد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در ایران، قانون اساسی و بسیاری از اسناد بالادستی این حق را به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته اند و آن را در نظام حقوقی خود شناسایی کرده اند. اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۲۹، حق بر خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی را برای همگان به رسمیت می‌شناسد. انعکاس دیگر حق بر سلامت در قوانین ایران، سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قوانین مربوط به بیمه است. در راستای تحقق حق بهداشت و سلامت دولت موظف است که یک برنامه جامع یا سیاست ملی برای تحقق آن در نظر بگیرد و در جهت ایجاد شرایط مناسب برای دسترسی همه افراد ملت به بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی تلاش کرده و با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب به حمایت کیفی از این حقوق بپردازد.

۱-۳- حق بر معیشت در قانون اساسی

اصل ۴۴ قانون اساسی ما می‌گوید نظام اقتصادی ایران از سه بخش دولت، تعاون و بخش خصوصی تشکیل شده است. در این میان دولت عهده دار مالکیت زیر بناها قرار است باشد. این یعنی مالکیت در کشور ما باید عمومی باشد اما اختیارش با دولت باشد. این موضوع خیلی مهمی است که در قانون اساسی به روشنی وجود دارد. بنابراین ما بین مالکیت عمومی و مالکیت دولتی در قانون اساسی مان تفکیک مناسبی داریم. اما اینها در عمل گاهی رعایت نشده است و موضوع البته مربوط به این دولت و آن دولت هم نیست.

در اصل سوم هم به حق معیشت اشاره شده است .

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
- ۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
- ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
- ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
- ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

- ۶- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
- ۷- تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
- ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
- ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
- ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
- ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
- ۱۲- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
- ۱۳- تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
- ۱۴- تامین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
- ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

۱-۳-۱- اصل ۲۸ قانون اساسی

حق بر اشتغال و حق بر داشتن شغل یکی از مهم‌ترین حقوق بشری و شهروندی است که جزو نسل دوم حقوق بشر یعنی حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود و در میان اجتماع مردم و تشکیل ملت معنا می‌یابد، گاهی شنیده می‌شود که می‌گویند هیچ حقی وجود ندارد، مگر اینکه تکلیفی در مقابل آن وجود داشته باشد و این مساله به این معناست که گاهی شخص به عنوان مثال حق آزادی بیان دارد و دیگران تکلیف به عدم محدود کردن آزادی بیان وی دارند که این یک تکلیف سلبی است و دیگران نباید کاری کنند که آزادی شخص محدود شود و گاهی شخص آزادی بیان دارد و دولت مکلف است که شرایطی را مهیا کند که آزادی بیان اشخاص و شهروندان تامین شود (طباطبایی ۱۳۸۵ ص ۹۸).

حق بر اشتغال از جمله حقوقی است که دولت و مردم در مورد آن‌ها هم تکلیف سلبی دارند، به این معنا که دولت و مردم نباید اشخاص را از انتخاب شغل مناسب خودشان محروم کنند و نمی‌توان اشخاص را از داشتن شغل و انتخاب شغل مناسب محروم کرد و هم آنکه تکلیف دولت در این مساله یک تکلیف ایجابی نیز است و دولت باید شرایطی فراهم کند تا برای اشخاص شغل ایجاد شود. گاهی از زبان مسئولان شنیده می‌شود که دولت نباید برای افراد شغل ایجاد کند؛ این در حالی است که حتی اگر دولت خود شغل ایجاد نکند، دولت باید شرایط اشتغال در کشور را بهبود بخشد و فضایی را فراهم کند تا اشخاص شایسته و مستعد به شغلی که مایل هستند، مشغول شوند. طبق اصول (۱۹) و (۲۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم ایران دارای حقوق مساوی هستند و به صورت یکسان در حمایت قانون قرار دارند. یکی از این حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بر اشتغال است. به علاوه در اصول دیگری از قانون اساسی نیز به مساله آزادی اشتغال اشاره شده است؛ از جمله اینکه در اصل (۲۸) قانون اساسی به حق انتخاب شغل و آزادی انتخاب شغل اشاره شده است؛ این اصل مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند». همان‌طور

که در اصل مشاهده می‌شود، هر کس حق دارد شغل مورد علاقه خویش را انتخاب کند و البته مثل همه حقوق نمی‌توان گفت که حق اشخاص مطلق است و هیچ محدودیتی ندارد و محدودیت وارد شده در این اصل، بحث مشاغلی است که مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران باشند. در ذیل این اصل به تکلیف ایجابی دولت در خصوص ایجاد شغل اشاره شده است و بنابراین مردم می‌توانند از دولت فراهم کردن این شرایط را مطالبه کنند.

فراهم کردن «امکان اشتغال به کار» و «ایجاد شرایط مساوی برای احراز مشاغل» مواردی است که با نگاهی بر آمار اشتغال و حمایت از بیکاران و انتخاب مشاغل متناسب با افراد می‌توان عملکرد دولت‌ها را ارزیابی کرد. همین که فضای کسب و کار و انتخاب شغل به گونه‌ای باشد که افراد در جامعه این احساس را نکنند که به کارهایی مشغول می‌شوند که به ناچار و برای تامین معاش خانواده ناچار به انجام آن‌ها هستند، این امر به نوعی تحقق حقوق شهروندی مردم است. این حق به اندازه‌ای اهمیت دارد که در ماده (۲۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز از آن سخن گفته شده است؛ این ماده می‌گوید: «هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کارخواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد». نکته‌ای که قدری متفاوت است، مساله حمایت از اشخاص در مقابل بیکاری است.

در حقیقت نه تنها شخص باید بتواند شغل خود را آزادانه انتخاب کند؛ بلکه باید بتواند نسبت به امنیت شغلی و ثبات شغلی خود نیز مطمئن باشد و در زمان بیکاری از وی حمایت بدون شرطی بشود. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز یکی دیگر از اسناد مهم حقوق بشری است که در ماده (۶) آن از این حق سخن گفته شده است؛ این ماده بیان می‌دارد: «کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هرکس است به اینکه فرصت‌یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند، معاش خود را تامین کند، به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.»

بنابراین حق بر اشتغال و حق بر داشتن شغل و آزادی انتخاب شغل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر شناسایی شده است و دولت نه تنها نمی‌تواند از زیر بار این تکلیف مهم شانه خالی کند؛ بلکه باید در مقابل عملکرد خود پاسخگو باشد. به طور مشخص در موضوع بیکاری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۸ اعلام می‌دارد:

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند.
سوال بزرگ تر دوباره مطرح می‌شود که آیا جوانان امروز در پناه این قانون قرار گرفته‌اند؟ یا اینکه عدم اجرای قانون، بیکاری را تبدیل به غولی کرده که بنیان اقتصاد، اخلاق، خانواده و جامعه ایران را هدف قرار داده و مشغول تخریب با قدرت هرچه تمام است؟

در ادامه همان اصل ۲۸ دوباره تأکید می‌شود:

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد کند. اگر بعد از انتشار این مطلب عده‌ای به دنبال تغییر یا حذف اصل قانون اساسی کشور نباشند! آیا دولت‌ها به وظیفه خود برای اجرای قانون اساسی عمل کرده‌اند؟

مستقیم‌ترین نتیجه بیکاری، از دست دادن درآمد است. فشار اقتصادی برای کسانی که فاقد کارند بسیار زیاد است. امنیت شغلی هر شهروند به میزانی که بتواند از سطح زندگی متعارف و متعادل در همه جنبه‌ها برخوردار باشد، مصداق تحقق حقوق شهروندی در اقتصاد و مدیریت اسلامی است. زمانی که این برخورداری در بخش زیادی از جامعه نباشد، باید به ارائه حمایت

پرداخت. این حمایت برای جوانان از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است که در باب چرایی آن روزنامه ها و رسانه ها به میزان کفایت و حتی بیشتر نوشته اند، تحلیل و تأکید کرده اند. (پاکدامن، ۱۳۸۸، ص ۴۸)

انسان حق اشتغال دارد و حق دارد که شغل خود را به صورت آزادانه انتخاب کند و حقوق کار به نحو عادلانه ای در رابطه با وی اجرا شود. در بیان مفهوم حق آزادی شغل و انتخاب کسب و کار باید گفت که هیچکس از افراد جامعه را نمی توان وادار به کاری کرد که بدان تمایل ندارد و یا او را از شغلی که به آن دل بسته است، بازداشت. با این حال، برای تحقق اصل آزادی انتخاب شغل، در جامعه بایستی بیشتر زمینه های اشتغال افراد با سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های صحیح توسط دولت برای همگان فراهم آید تا همه افراد قادر باشند به کاری مشغول و ما یحتاج زندگی را از دست رنج خود تحصیل نمایند و دیگر اینکه برخی رسوم اجتماعی مانند کار اجباری و نظایر آن که ذاتا با حیثیت، شأن و مقام افراد انسان مغایرت دارند، منسوخ شوند. به همین دلیل قوانین و مقررات متعددی در نظام حقوقی داخلی و بین المللی در رابطه با منع کار اجباری پیش بینی شده است. یکی از مهمترین مبانی ناظر بر تامین حقوق کارگران و صاحبان مشاغل و آزادی اشتغال توسط آنها، قانون اساسی است و این سند به عنوان مهم ترین منبع حقوق اساسی و عمومی، به بیان آزادی شغل و کار به عنوان حقی برای تمام افراد جامعه پرداخته است. بر اساس اصل بیست و هشتم قانون اساسی هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و حقوق عمومی نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار را فراهم سازد.

در خصوص آزادی انتخاب شغل، بحث عدم اجبار و منع تبعیض نیز پیش می آید که به موجب اصل چهل و سوم قانون اساسی " رعایت آزادی انتخاب شغل و کار و عدم اجبار افراد به انجام کار معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری " را مقرر داشته است. لازم به ذکر است که حق انتخاب شغل در این اصل از قانون اساسی به همه افراد اعم از زنان و مردان داده شده است و حق اشتغال زنان مستند به این اصل می باشد. بند دوم این اصل نیز دستیابی مساوی به فرصت های شغلی برای همه افراد را بیان می دارد و حکمی نظیر اصل بیست و هشتم در آن دیده می شود.

ماده ۶ قانون کار نیز به عنوان یکی دیگر از مبانی حق و اصل آزادی شغل و کار، در این زمینه چنین بیان نموده است: براساس بند چهار اصل چهل و سوم و بند شش اصل دوم و اصل نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار افراد به کار معین و بهره کشی از دیگران ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند.

همانگونه که در قسمت قبل بیان شد، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصل بیست و هشتم در خصوص آزادی انتخاب شغل و کار کردن مقید به رعایت برخی از شروط قانونی و شرعی شده است و این قیود، موجب محدودیت های شرعی و قانونی برای برخی افراد در تصدی برخی از مشاغل می گردد که در این قسمت قصد داریم به بررسی مهم ترین استثنائات حق آزادی شغل یا کار بر اساس قانون اساسی و قانون کار بپردازیم:

طبق اصل بیست و هشتم قانون اساسی که مفهوم آن در ضمن ماده ۶ قانون کار نیز مورد استفاده قرار گرفته است، هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. لذا مخالفت شغل افراد با موازین اسلامی یکی از مهم ترین موارد استثنا از اصل آزادی انتخاب شغل محسوب می شود؛ به عنوان مثال شغل تولید و خرید و فروش مشروبات الکلی یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا مشمول حق آزادی انتخاب شغل و کار نیستند. یکی

دیگر از موارد استثنا از حق آزادی انتخاب کار، مصالح عمومی جامعه است که سبب محدودیت افراد در زمینه انتخاب شغل و کار می‌گردد؛ همچون کسانی که در خلال شغل، در معابر و خیابان‌ها به تکدی‌گری پرداخته و نظم عمومی جامعه را بر هم می‌زنند. علاوه بر این، از بین بردن و تزییع حقوق سایر افراد جامعه نیز مشمول حق آزادی انتخاب کار نخواهد بود و آن حق را محدود می‌کند. (گرگی، ۱۳۸۸، ص ۹۶)

۱-۳-۲- اصل ۳۱ قانون اساسی

حق مسکن یکی از حقوق مسلم فردی در جوامع بشری می‌باشد و این حق جز در مواردی که قانون تجویز نموده قابل محدودیت نیست. در تفسیر حق مسکن باید دقت نمود که به مفهوم مضیق و محدود تفسیر نشود و باید به حق مسکن مناسب به عنوان حق زندگی در مکان امن، آرام و شرافتمندانه نگریسته شود و برای همه افراد قطع نظر از درآمد یا دسترسی‌شان به منابع اقتصادی تأمین گردد و بر دولت‌ها است تا با اتخاذ تدابیر مناسب جهت ریشه کن کردن مشکل مسکن و کاهش آمار بی‌خانمانی تلاش نمایند.

مسکن را از بعد اقتصادی می‌توان یک «کالا» خواند، از نظر جامعه‌شناسی یک «نهاد»، و از منظر انسان‌شناسی «فرهنگ» نامید (ایلکا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۶). مسکن بر وزن مفعول، اسم مکان از ریشه عربی «سکن» به معنای آرامش و سکون است و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۸). در لغت‌نامه دهخدا معنای لغوی مسکن چون جای‌باش و خانه، منزل و بیت، سکونت و مقام، جای آرام معنا شده است (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹).

مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی «واحد مسکونی» را چنین تعریف کرده است: «تمام یا قسمتی از یک ساختمان است که حداقل شامل یک اتاق و سرویس بهداشتی مستقل بوده و دارای ورودی مستقیم یا غیرمستقیم از معبر عمومی باشد. شکل متعارف آن، خانه معمولی و واحد آپارتمانی است که برای سکونت یک خانوار ساخته می‌شود».

در قالب تعاریف ارائه‌شده می‌توان مسکن را مکانی در نظر گرفت که هم جنبه مادی دارد و هم در ابعاد روحی و ارزشی زندگی فرد اثرگذار است، چراکه محل آرامش و سکون در نظر گرفته شده است.

براساس نظریه عمومی شماره ۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص «مسکن مناسب» در چارچوب ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ چنین بیان شده است که از نظر کمیته مسکن مناسب تنها یک سرپناه با سقف یا منحصراً یک کالا نیست؛ بلکه مسکن مناسب به معنای حق زندگی کردن در جایی همراه با امنیت، آرامش و کرامت است در حقیقت «مسکن مناسب» مکانی فراتر از چهاردیواری و یک سقف است.

شرایط مختلفی برای یک سرپناه باید وجود داشته باشد تا بتوان آن را «مسکن مناسب» در نظر گرفت. از این‌رو برای آنکه مسکنی مناسب باشد، باید حداقل از معیارهای ذیل برخوردار باشد: امنیت در تصرف، در دسترس بودن خدمات، توان مالی برای بهره‌مند شدن از سایر حقوق، قابلیت سکونی، دسترسی، موقعیت و تناسب فرهنگی.

براساس اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است». همچنین اصل ۳۳ قانون اساسی بیان می‌دارد که «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید نمود یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد».

ماده ۱ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷ دولت را موظف می‌کند که «به‌منظور تأمین مسکن و سهولت دسترسی فاقدین مسکن به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد به خانه مناسب، ارتقای کیفی و کمی مسکن تولیدی کشور، از طریق حمایت‌های لازم اقدام نماید». در ماده ۷۳ منشور حقوق شهروندی مورخ آذرماه ۱۳۹۵ حق بهره‌مندی از مسکن ایمن و متناسب با نیاز شهروندان و خانواده‌شان شناسایی شده است. ماده ۷۴ نیز بیان می‌کند که دولت زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزشهای فرهنگی، اجرای مقررات ملی ساختمان و طرحهای بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌سازد.

در کنار قوانین و مقررات ملی، ایران همچنین در ۴ آوریل ۱۹۶۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را امضا کرد و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ به تصویب رساند و برابر با ماده ۹ قانون مدنی مقررات میثاق در حکم قانون و لازم الاجراست.

در قوانین ایران به‌ویژه قانون اساسی آنچه مطرح است، حق برخورداری از مسکن است و به‌نوعی تعبیر موسع از مسکن شده است. در همه موارد دولت مکلف شده است تا با اقدامات و قوانین خود زمینه برخورداری از این مسکن را فراهم سازد. همانطور که در ماده ۵۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور و شهرداری‌ها مکلف به بهسازی شهرسازی شده‌اند و دولت نیز موظف شده است منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز را در قالب بودجه سنواتی در طول اجرای قانون برنامه تأمین کند.

از ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، مسکن در اولویت بوده است تا حدی که در سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی «قانون تهیه مسکن برای افراد کم‌درآمد» را تصویب کرد. در این قانون آمده است که نیم درصد از درآمد مشمول مالیات بانک‌های کشور صرف تهیه مسکن افراد بی‌بضاعت می‌شود. دیوان عدالت اداری نیز بر این اولویت صحنه گذاشته و در رأی هیأت عمومی به تاریخ ۱۶ خردادماه ۱۳۹۶ در اعتراض به بخشنامه بانک مرکزی در خصوص تسری این قانون به بانک‌های خصوصی آمده است: مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که بانک‌های خصوصی را نیز مشمول حکم مقرر در قانون تهیه مسکن برای افراد کم‌درآمد قرار داده است با قانون مغایرت ندارد و قابل ابطال تشخیص داده نشد (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۶: شماره دادنامه ۲۱۴).

براساس اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع نماید». بنابراین، به‌طور کلی هر فرد می‌تواند در دادگاه صالح در خصوص حقوق تضییع‌شده خود از جمله مسکن اقامه دعوا کند، اما باید ترتیب و نحوه آن را بررسی کرد. باوجود عضویت ایران در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اما عضو پروتکل الحاقی بدان نیست و از این‌رو افراد تحت میثاق نمی‌توانند علیه دولت در کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طرح شکایت کنند، بنابراین حق دادخواهی آنها از این مسیر غیرممکن است. هرچند به‌طور کلی باید توجه داشت دولت به‌عنوان عضو میثاق متعهد است تعهدات خود را ایفا کند و از موضوع و هدف میثاق و مفاد آن تخطی نکند. اما در کنار این مسئله، از آنجا که حق دادخواهی در نظام حقوقی ایران شناخته شده است، آیا مطابق با مقررات داخلی و همچنین تعهدات بین‌المللی حقوق بشری دولت، فرد می‌تواند در نظام قضایی کشور در خصوص حق مسکن خود یا الزاماتی که مسکن مناسب باید داشته باشد، شکایت کند؟ به‌عبارت دیگر، اگر خانه فردی به‌دلیل رعایت نکردن ضوابط ساخت‌وساز آسیب ببیند، وی حق شکایت از مراجع صادرکننده مجوز یا سایر مراجع صالح را دارد؟ همچنین اگر ملک فرد در رهن بانک باشد و تعهدات خود را ایفا نکند، چه شرایطی باید برای وی اعمال شود و اگر

نشود، فرد می‌تواند در کنار سایر موارد مندرج در قانون به حق مسکن خود مطابق با قانون اساسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استناد کند.

۳-۱-۳- اصل ۲۹ قانون اساسی

قانون اساسی در اصل ۲۹ به صراحت اعلام می‌کند:

برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و ... حقی است همگانی. طبق اصل ۲۹ قانون اساسی، دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند، بنابراین مسئولان امر اگر پیشرفت و دوام و آبادانی این مرز و بوم را می‌خواهند، باید به این اصل احترام ویژه بگذارند و در اجرای آن کمر همت برای خدمت به مردم که ولی نعمتان آن‌ها هستند، ببندند. برخلاف بسیاری از رشته‌ها و شاخه‌های حقوقی که متضمن اصول، معیارها و قواعد کلی است که در طول قرن‌ها تکامل و تحول پیدا کرده است، منبع اصلی حقوق تأمین اجتماعی و به‌طور خاص برابری در حقوق تأمین اجتماعی در تمام کشورها، حتی کشورهای کاملاً، قوانین حمایتی است که عمدتاً در قرن گذشته به تصویب رسیده‌اند.

در مقدمه قانون اساسی، در موارد متعدد به نفی انحصار، استبداد و استثمار اشاره شده است. به‌طور طبیعی طرد انحصار به برابری تمامی شهروندان در بهره‌گیری از امکانات اجتماعی می‌انجامد. هرچند که مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر صبغه‌ای عقیدتی دارد و حتی در بخش مربوط به «شیوه حکومت در اسلام»، به تبلور آرمان سیاسی ملتی اشاره شده که هم‌کیش و هم‌فکرند؛ بنابراین در این تلقی برابری به حوزه عقیدتی محدود می‌شود. البته در این موضوع، با تعمق در اصول دیگر قانون اساسی، این استنباط صحیح به نظر نمی‌رسد و بنا بر نص صریح این قانون برابری به همه آحاد ملت تسری می‌یابد. بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اشعار می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی... همان‌گونه که مشاهده می‌شود این قانون برابری را در برخی جنبه‌ها مورد تأکید قرار داده است. مصداق بارز این بند می‌تواند برابری در دستیابی به مشاغل عمومی باشد. نکته دیگر در این بند تأکید بر تبعیضات ناروا است. پس تبعیض روا و مثبت و لزوم اعمال آن ضروری است. از طرف دیگر بند ۱۴ همین اصل، به تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون اشاره دارد. اما اصل بنیادین برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بیستم است.» همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند، در این اصل قانون اساسی بر برابری همه شهروندان در مقابل قانون تأکید نموده و این حمایت را به تمامی حقوق متصور برای آن‌ها تعمیم داده است. بدیهی است به مدد این اصل مبنایی، می‌توان کلیه اصول منشعب از اصل برابری را واجد ارزش قانون اساسی دانسته و نهاد صیانت از قانون اساسی، یعنی شورای نگهبان از آن‌ها حمایت به عمل آورد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد با تأکید فراوانی که این قانون از اصل برابری به عمل آورده است، بتوان چنین نتیجه گرفت که برابری یکی از مبانی مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و غایت حمایت از حقوق شهروندان به شمار می‌رود.

اساساً توجه به برابری و مساوات همگان در برابر قانون و ورود مباحث مربوط به زنان در قوانین اساسی دنیا چندان بی‌سابقه نیست؛ اصل برابری و عدم تبعیض جنسی، هم به‌طور کلی و هم به‌طور خاص در حوزه تأمین اجتماعی پذیرفته شده است. قانون اساسی ایران در بند «و» اصل سه، دولت را موظف به رفع کلیه تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها کرده است.

وجود اصل نوزدهم قانون اساسی، آگاهانه، به معیار ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت اشاره نکرده و مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». ولی با توجه به تعداد زیاد قوانین عادی که مشمول رفتار نابرابر میان زنان و مردان است، جنسیت در نظر قانون‌گذار، عنصری برای رفتار تبعیض‌آمیز است. اگر تغییر رفتار تبعیض‌آمیز میان زنان و مردان در قلمرو جزایی یا مدنی و به‌طور کلی در تمام مواردی که ریشه در شرع مقدس اسلام دارند، دشوار است، در زمینه مقررات تأمین اجتماعی، چنین مانعی وجود ندارد. قید «مانند این‌ها» در اصل نوزدهم قانون اساسی، بی‌تردید شامل عنصر جنسیت در مورد قوانینی که ریشه شرعی ندارند، می‌شود. از سوی دیگر بلافاصله در اصل ۲۰ زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار گرفته و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار دانسته شده‌اند؛ البته ضمانت یکسان زن و مرد در برابر قانون، زمانی معنای واقعی خود را می‌یابد که قوانین عادی و موضوعه، تبعیض‌آمیز و ناعادلانه نبوده، زن و مرد را از حقوق مساوی برخوردار کرده باشد در غیر این صورت حمایت یکسان، خود نوعی تبعیض و ظلم محسوب می‌شود. بنابراین به استناد اصول یادشده، زنان از کلیه حقوق انسانی و به‌طور خاص حقوق تأمین اجتماعی، به‌صورت مساوی با مردان برخوردار بوده، منعی برای آن‌ها نباید وجود داشته باشد؛ تنها قیدی که اصل بیستم قانون اساسی بیان می‌دارد، رعایت موازین اسلام است. هرچند در حوزه حقوق خصوصی، تأثیرگذاری موازین اسلامی و نقش آن پررنگ‌تر است، ولی در حوزه حقوق عمومی و از جمله در تأمین اجتماعی، به این دلیل که خصوصیات فردی مانند جنسیت نقشی ندارند و فرد مانند یک انسان موضوع قرار می‌گیرد، نقش موازین اسلامی، به‌عنوان مانع، کم‌رنگ و حتی می‌توان گفت در حد صفر است. اصل ۲۱ قانون اساسی متضمن ضرورت برقراری برخی تبعیض‌های مثبت در حوزه تأمین اجتماعی است. بند دو این ماده حمایت از مادران را به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و بند چهار ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست را مقرر می‌دارد. البته اختصاص حمایت تأمین اجتماعی به زنان در دوران بارداری موجه است زیرا این تبعیض بر مبنای تفاوت‌های بیولوژیکی زنان و مردان مقرر شده است. (صالح‌احمدی، ۱۳۹۶ ص ۲۱)

هرچند اختصاص حمایت تأمین اجتماعی در دوران حضانت به زنان، می‌تواند نوعی تبعیض ناموجه به زیان مردان باشد زیرا در عمل مردان هم ممکن است حضانت فرزند خود را بر عهده داشته باشد. «بعلاوه بر اساس مقررات قانونی زن و شوهر هر دو تکلیف حضانت را بر عهده‌دارند» اما از جهت دیگر می‌توان بر این عقیده بود که این قسمت از اصل ۲۱ متضمن یک حکم مترقی در حوزه تأمین اجتماعی است که هنوز در قلمرو قوانین وارد نشده است ترتیب و ضمانت فرزند همانند بارداری و زایمان، بیکاری و بیماری خطر تحت پوشش تأمین اجتماعی محسوب نمی‌شود. اما در سال‌های اخیر در جهت حمایت از زنان در حوزه تأمین اجتماعی، پیشنهادهای جدی ارائه شده است تا دوران مربوط به تربیت و نگهداری فرزندان نیز به‌عنوان یکی از خطرات تحت پوشش تأمین اجتماعی محسوب شود.

با توجه به بند دو اصل ۲۱ قانون اساسی، قانون‌گذار عادی مکلف است در جهت تأمین اجتماعی حکم قانون اساسی، مقررات ویژه‌ای را در حوزه تأمین اجتماعی تصویب نماید؛ امری که تاکنون مسکوت مانده است. همچنین در بند چهار اصل ۲۱ قانون

اساسی «بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده بی‌سرپرست» که قانون اساسی با به‌کارگیری لفظ اخیر این‌گونه زنان را پیشاپیش ناتوان از اداره و سرپرستی خود و خانواده به حساب آورده است، تاکنون ایجاد نشده است. این مقررہ حاوی یک تبعیض مثبت به سود زنان است و مورد استقبال نیز قرار گرفته است اما از انتقاد نیز مصون نمانده است، زیرا مردان سالخورده و بی‌سرپرست هم به‌اندازهٔ زنانی که در چنین موقعیتی قرار دارند، مستحق حمایت هستند البته لازم است در مورد حمایت از همسران (به‌ویژه زنان) بیمه‌شدگان پس از طلاق، مقررات ویژه‌ای وضع شود.

بند ۶ اصل دوم «کرامت و ارزش والای انسان به‌عنوان یکی از مبانی جمهوری اسلامی»، بند ۹ اصل سوم «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و بند ۱۵ همان اصل «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» به‌طور ضمنی اشاره به برابری در حق تأمین اجتماعی دارد. در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پس از برشمردن برخی از مهم‌ترین مصادیق خطرات شغلی و اعلام حق افراد در مقابل این خطرات، دولت مکلف شده است تا از طریق نظام غیر مشارکتی «حمایتی» و نظام مشارکتی «بیمه‌ای» زمینه برخورداری شهروندان از این حق را فراهم سازد.

اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، بی‌سرپرستی، ازکارافتادگی، حوادث و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به شکل بیمه و غیره را حق همگان دانسته و دولت را مکلف کرده که طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی سلامت و درمان را برای تک‌تک ایرانیان تأمین کند. نگاهی گذرا به این اصل از قانون اساسی کشور نشان می‌دهد که توجه به سلامت و بهداشت مردم جامعه از مهم‌ترین حقوق انسانی است که قانون‌گذار به آن توجه ویژه داشته است. وقتی صحبت از حق سلامت به میان می‌آید منظور یک حق بشری است که به هرکس اجازه می‌دهد به تمام خدمات پزشکی، بهداشتی، آب سالم، غذای کافی، محیط‌زیست تمیز و محیط کار سالم در بالاترین سطح استاندارد فیزیکی و روانی آن دسترسی داشته باشد. بر این اساس نباید حق بر سلامت را به امر درمان پزشکی محدود کرد. حال آنکه امور بهداشتی به‌ویژه بهداشت روانی نیز عرصه‌ای است که در دامنه حق سلامت قرار دارد و برای دولت‌ها و همین‌طور نهادهای مختلف اجتماعی مسئولیت‌آور است. جامعه بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر که حق سلامت نیز شاخه‌ای از آن است فعالیت فراوان داشته و برای دستیابی به این مهم در برهه‌های مختلف تلاش کرده ولی هنوز تا رسیدن به استانداردهای جهانی فاصله زیادی داریم. موحدیان، غلامرضا. حقوق کار. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۹، ص ۱۷.

۲-۳- حق بر معیشت در قوانین کار

در این قسمت حق بر معیشت با توجه به قوانین موجود در زمینه کار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳- حقوق بنیادین کار (حق بر کار، آزادی کار)

هر گونه فعالیت فکری یا بدنی که قانون مجاز بوده و منجر به کسب درآمد شود را می‌توان کار نامید. حق بر اشتغال از جمله آزادی‌های بنیادی و اساسی هر عضو جامعه انسانی می‌باشد. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و همچنین مقاله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، حق بر اشتغال، شرایط و محدودیت‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز پاره‌ای از این مسائل را مورد توجه قرار داده‌اند، حق اشتغال در میان حق‌های رفاهی یا نسل دوم حق‌های بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حق بر اشتغال به معنی آزادی هر شخص حقیقی یا حقوقی به انجام هر

فعالیت، کار و شغل دلخواه خود، اعم از پیشه، هنر، صنعت و بازرگانی بدون وجود محدودیت است به نحوی که در این زمینه دولت و دیگر اشخاص نتوانند مانع او شوند. این آزادی پایه فعالیت های حرفه ای و بازرگانی محسوب می گردد. هر شهروندی آزاد است به یک فعالیت شغلی بپردازد؛ با وجود آن که اصولاً و قانوناً اشتغال به هر شغل آزاد است، لکن به لحاظ آثار اقتصادی و مادی که مشاغل در اجتماع دارند، و نیز به لحاظ مقتضیات نظم و امنیت عمومی، اشتغال به کسب و پیشه و صنعت تابع محدودیتها و نظامات ناشی از انحصارات دولتی سازمان های حرفه ای، اصول و ضوابط برنامه ای دولت و سیاست های نظارتی دولت بر بازرگانی خارجی و تهیه و توزیع کالاها خواهد بود. این آزادی ممکن است در مواردی با محدودیت هایی روبرو شود که از جمله آنها ملزم شدن به کار اجباری به عنوان مجازات می باشد. باید توجه نمود که تحقق آزادی کار و اشتغال مستلزم شرایطی است که بدون آن ها، آزادی مزبور معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد. اهمیت این حق چنان است که آن را با اعمال و تضمین سایر حق های بشری پیوندی نزدیک می دهد. توجه به اشتغال بیکاری همواره اهمیتی انکارنشده در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد که تحقق آن را الزامی می سازد. حق اشتغال نتیجه منطقی آزادی کار و به معنی حق به دست آوردن شغل برای همه افراد داوطلب کار در جامعه و در صورت نداشتن آن استفاده از یک مستمری به منظور جبران محرومیت از کار و اشتغال می باشد. در واقع تکلیف به انجام کار و حق بر اشتغال دو چهره یک اصل می باشند که یکی به کارکرد اجتماعی کار تکلیف به کار کردن و دیگری به کارکرد فردی کار حق داشتن شغل باز می گردد. در کشوری که مسئله اشتغال حل نشده و بیکاری گسترده در آن وجود دارد، حق اشتغال به طور کامل معنا و مفهومی ندارد، اما در هر حال دولت موظف است با برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی و اتخاذ سیاست های مناسب برای همه مردم داوطلب، زمینه اشتغال را فراهم آورد. (راضیه محمدحسینی جور، ۱۳۹۶، حق آزادی کار و محدودیت های آن در قانون اساسی، ناشر: راز نهان ص ۱۴)

طبق اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار مصوب سال ۱۹۹۸ سازمان بین المللی کار، چهار محور ممنوعیت کار اجباری، حداقل سن کار و ممنوعیت کار کودکان، حق تشکل و آزادی سندیکایی، ممنوعیت تبعیض در اشتغال و حرفه دارای صفت بنیادین در روابط کار می باشند. پیوند این مؤلفه های چهارگانه با حقوق طبیعی و حقوق بشر از حیث ارتباط با کرامت و نفس انسان بر اهمیت آن ها افزوده است. برای سنجش وضعیت حقوق کار یکی از روش ها، ارزیابی آن با توجه به این محورهای چهارگانه است. نظام حقوقی ایران در خصوص ممنوعیت کار اجباری و حداقل سن کار وضعیت مناسب تری نسبت به دو مؤلفه دیگر دارد. از یک سو وجود الزامات غیر ضرور و دخالت ارکان سیاسی در تشکل ها که موجب خدشه بر استقلال آن ها می گردد از جمله عمده مشکلات پیش روی تشکل های صنفی در ایران است و از سوی دیگر در خصوص ممنوعیت تبعیض در اشتغال و حرفه علیرغم وجود پیش زمینه هایی در قانون اساسی، کماکان پاره ای تبعیضات در عرصه گسترده کار بر حسب جنسیت و عقاید مذهبی به چشم می خورد. مطالعات تاریخی و اجتماعی نشان می دهد بروز مشکل در محورهای چهارگانه حقوق بنیادین کار ناشی از عواملی مانند فقر، عدم وجود امکانات آموزشی، وجود عقاید نادرست فرهنگی و مذهبی، بحران های سیاسی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، کمبود فرصت های شغلی و عدم توجه به تکثر آرا است. بنابراین در راستای بهبود حقوق کار بر مبنای محورهای حقوق بنیادین کار لازم می آید از توجه صرف به قانون کار فراتر رفته و نظام حقوقی ایران را به عنوان یک کل در نظر بگیریم. ممنوعیت کار کودکان بدون توجه به معیشت و آموزش آن ها نه تنها یاری گر آن ها نخواهد بود بلکه موجب تشدید مصائبشان می شود. رفع کامل تبعیض در اشتغال و حرفه بدون توجه به قانون اساسی ممکن نخواهد بود. همچنین تأمین استقلال تشکل های صنفی مستلزم بازنگری در قوانین و آیین نامه های مرتبط می باشد. با توجه به این مباحث جهت ارتقای وضعیت نظام

حقوقی ایران در حوزه روابط کار باید به قوانین مرتبط در زمینه‌های تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، فرهنگی و اقتصادی نگاهی جدی داشت.

حقوق و مزایای کارگران در قانون کار با عنوان حق السعی کارگران عنوان شده است. و شامل مزد یا حقوق، کمک عائله مندی، هزینه های مسکن، خوار و بار، ایاب و ذهاب و... میشود.

۲-۳-۲- حق السعی

اصل براین است که هرفردی که اقدام به انجام عملی مینماید، قصد مطالبه اجرت داشته است. فلذا کارگرانی هم که اقدام به انجام کاری مینمایند، درحقیقت جهت دریافت حقوق و مزایای کارگری به این امر مبادرت می ورزند. البته قانونگذار حقوق و مزد را زیر مجموعه ای از دریافتی های کارگر بیان کرده است. البته به جز این مورد، دریافتی های دیگری را نیز برای کارگر در نظر گرفته است.

قانون گذار، عبات حق السعی را برای دریافتی های کارگر به کار برده است قانون گذار در ماده ۳۴ قانون کار چنین بیان نموده است:

«کلیه دریافت های قانونی که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق، کمک عائله مندی، هزینه های مسکن، خوار و بار، ایاب و ذهاب، مزایای غیر نقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آن ها دریافت می نماید را حق السعی می نامند».

۲-۳-۳- حقوق و مزایای کارگران

عبارت کلیه دریافتی های قانونی درماده، شامل موارد احصاشده ای است که درقانون به عنوان حق و حقوق برای کارگران لحاظ شده است. جمع این موارد را حق السعی می نامند که به ازای زحمتی است که کارگر برای کارمورد نظر انجام داده است. کارگری مستحق، حقوق و مزایاست که قرارداد کاری با او منعقد شده باشد. گاهی ممکن است کارگری با میل خویش و بدون اطلاع کارفرما به امری مبادرت نماید. چنانچه انجام آن امر از وی خواسته نشده باشد، چنین کارگری نمی تواند مطالبه حقوق و مزایا نماید. درواقع کارگری مجاز به درخواست مزد است که دارای قرارداد کار بوده و برطبق آن برای وی حقوق درنظرگرفته شده باشد. حقوق مشخص شده طبق قرارداد کاری تواند بسته به مورد قرارداد، ماهانه، روزانه و... پرداخت شود.

۲-۳-۳- کمک عائله مندی کارگر

کمک عائله مندی از مزایایی است که قانون کار جز حقوق و مزایای کارگر لحاظ کرده است. کمک عائله مندی مبلغی است که ازسوی کارفرما، درهنگام پرداخت مزد یا حقوق به کارگر، مازاد برمزد اوپرداخت می شود. هدف از کمک عائله مندی، مساعدت به خانواده کارگر است که متناسب با تعداد فرزندان و سن آن ها لحاظ می گردد.

عائله مند به کارگری گفته میشود که دارای فرزند باشد. حق عائله مندی کارگر هم مبلغی است که ازسوی کارفرما جدای ازحقوق ومزد جهت مساعدت، به خانواده کارگر به آنها داده میشود.

مبلغ مزبور با توجه به تعداد و سن فرزندان قابل پرداخت میباشد. ماده ۸۶ و ۸۷ قانون تأمین اجتماعی به بحث حقوق عائله مندی کارگر پرداخته است. ماده مزبور عنوان کرده است که کمک عائله مندی منحصرأ تا دو فرزند فرد بیمه شده به او پرداخت میشود. البته با تصویب ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۹۲ مجلس شورای

اسلامی، محدودیت تعداد فرزندان برای اخذ حق عائله برداشته شد. فلذا در حال حاضر حق عائله مندی به همه فرزندان تعلق میگیرد.

لازم است که بیمه شده واجد شرایطی باشد که در صورت عدم احراز این شرایط از چنین حقی محروم میگردد.

۱- کارگر بیمه شده، باید سابقه پرداخت حق بیمه هفتصد و بیست روز کاری را داشته باشد.

۲- سن فرزندان کارگر باید زیر ۱۸ سال تمام باشد. به فرزندان بالای ۱۸ سال تنها در دو صورت تعلق میگیرد.

• چنانچه فرزندان در حین تحصیل باشند.

• در صورتیکه بر اثر بیماری یا نقض عضو طبق کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تامین اجتماعی توانایی کار کردن نداشته باشد.

بدیهی است حق عائله مندی زمانی به کارگر تعلق میگیرد که شرایط فوق را داشته باشد. در حقیقت صرف مزدوج شدن دلیل بر استفاده از حق عائله مندی نیست. البته خود ازدواج هم شامل کمک هزینه های ازدواج میباشد، اما تا زمانی که فرزندی متولد نشود حق عائله مندی به کارگر تعلق نمیگیرد.

بسیاری از افراد تصور می کنند که حق اولاد و حق عائله مندی یکی است، در حالیکه چنین نیست. جهت روشن شدن این موضوع لازم به ذکر است که حق اولاد و حق عائله مندی، در شرکتهای خصوصی یکی میباشد. اما در شرکتهای و سازمان های دولتی به دلیل هماهنگی که در نظام پرداخت آنها وجود دارد حق عائله مندی از حق اولاد جداست.

جهت محاسبه حق عائله مندی یک فرمول ساده وجود دارد. هر فردی می تواند آنرا محاسبه نماید. بدین صورت که اگر کارگر بیمه شده، دارای یک فرزند باشد عدد ۱ ضرب در حداقل دستمزد روزانه کارگر و ضرب در عدد ۳ می شود. اگر کارگر بیمه شده دارای ۲ فرزند باشد عدد ۲ ضرب در حداقل حقوق روزانه کارگر ضرب در عدد ۳ محاسبه میگردد. و به همین صورت برای سایر فرزندان محاسبه میگردد.

چنانچه، زن و شوهری هر دو شرایط استفاده از حق عائله مندی را داشته باشند حق مزبور به هر دوی آنها تعلق میگیرد و هر دو میتوانند استفاده نمایند.

حق عائله مندی، مبلغی است که بر عهده کارفرما است. چنانچه کارگر واجد شرایط باشد کارفرما موظف به پرداخت میباشد. کارفرما ممکن است از پرداخت امتناع نماید و یا اینکه ادعا کند که کارگر واجد شرایط نیست. کارفرما میتواند پیرو ادعای خویش شکایت مطرح نماید.

به اختلاف بین کارگر و کارفرما در مورد حق عائله مندی، از طریق مراجع حل اختلاف اداره کار رسیدگی میشود.

۴-۲-۳- حق مسکن

از دیگر دریافتی های کارگران هزینه های مسکن است. این مورد برای کلیه کارگران مشمول قانون کار، دارای هیچ استثنایی نیست و حتی به دارا بودن یا نبودن مسکن از سوی آنها، ارتباط پیدا نمی کند. این مورد برای همه کارگران به نحو یکسان اعمال می شود.

۵-۲-۳- حق خوار و بار کارگر

حق خوار و بار، توزیع بسته های حمایتی غذایی به کارگران به جهت جلوگیری از فشارهای روزمره زندگی است. این مورد میتواند گزینه مناسبی برای کمک به معیشت خانواده ها باشد. البته در حال حاضر این حق به صورت مبلغی است که به حقوق کارگران افزوده میگردد و هر سال مبلغی به آن افزوده میشود.

۶-۲-۳- ایاب و ذهاب کارگر

قانون گذار در ماده ۱۵۲ قانون کار در باب ایاب و ذهاب کارگران چنین بیان نموده است: «در صورت دوری کارگاه و کافی نبودن وسیله نقلیه عمومی، صاحب کار باید برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد».

ماده مزبور، در اختیار قراردادن وسیله مناسب را وظیفه کارفرما دانسته است فلذا کارفرما بایستی آن را رعایت نماید. از این رو، امکان پرداخت وجه نقد به کارگر با وجود این ماده وجود ندارد.

نکته قابل توجه در این است که قانون گذار در اکثر مواقع از حق کارگر به طرق مختلف دفاع نموده است. قانونگذار تمام سعی و اهتمام خود را بر این قرارداد داده است تا حقی از وی ضایع نگردد. اما متأسفانه اکثر کارگران به دلیل عدم آگاهی از حقوق و مزایای کارگری به سادگی از آن می گذرند. فلذا توصیه می شود، در صورتی که برای به دست آوردن حق و حقوق خود اقدام می نمایند، حتماً اطلاعات لازم را در این زمینه کسب نمایند. از این رو بهتر است با کارشناسان و وکلای صاحب تجربه در این زمینه مشورت کنید.

۳-۳- حق بر معیشت در اقتصاد اسلامی

از دیدگاه اسلام مهم ترین عاملی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می دارد، اقتصاد و معیشت مردم است که خداوند آن را مایه قوام جامعه قرار داده است. نقش ثروت در زندگی فردی و اجتماعی، همچون نقش آب در زندگی جانداران است؛ یعنی همچنان که زندگی جانداران بدون آب ممکن نیست و حیات همه موجودات زنده به آن بسته است، در زندگی فردی و اجتماعی نیز حیات افراد به مال و ثروت بستگی دارد و بدون آن، ادامه حیات ممکن نیست. نیز همچنان که جریان یافتن خون در بدن، موجب حیات همه بافت های بدن شده، جسم انسان را شاداب نگه می دارد، جریان داشتن پول، ثروت و مواهب طبیعی در رگ های اجتماع، موجب زنده ماندن همه طبقات اجتماع و شاداب ماندن جامعه انسانی می شود. از همین روی، قرآن کریم ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می داند: «... اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده،^۱ به دست سفیهان نسپارید... (النساء/۵). در واقع، از آن روی که مال سبب قیام و استقلال است، آن را بنا بر اطلاق مسبب بر سبب برای مبالغه به قیام نامیده است (ر.ک؛ حقی بروسوی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۲۰۲).

پس یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سگان هدایت جامعه را در دست می گیرد، اقتصاد آن کشور است و هر گونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می تواند به منزله گام هایی در جهت تعالی دیگر بخش های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت در اعتلای پایه نظام و کشور باشد. در نظام اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. استقلال اقتصادی و شکوفایی آن را می توان از آیات قرآن دریافت. از اطلاق برخی آیات و لازمه برخی دیگر، لزوم استقلال و شکوفایی آن فهمیده می شود؛ برای مثال می فرماید: «... و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است»^۲ (النساء/۱۴۱) که غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هر گونه سلطه کافران بر مسلمانان بدین آیه استناد کرده اند و مفاد آن را محکم دانسته اند؛ یعنی مسلمانان می باید کاری کنند که کفار به آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود، نامشروع است و از جمله راه های سلطه کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی است. متأسفانه در این سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این

۱ - وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا

۲ - وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان و مهجور گزاردن قرآن می‌باشد. مطابق مستفاد این آیه، مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها، از جمله وابستگی اقتصادی، رهایی دهند. در آیه دیگری می‌خوانیم: ﴿اگر مؤمن هستید، سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید﴾ (آل عمران / ۱۳۹).^۳ از این آیه استفاده می‌شود که از لوازم ایمان، بی‌نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمین است؛ زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و امتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند، باید خود را از یوغ کفار آزاد کند. همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿۴: محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را خواهند. نشانه آنها در چهره ایشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنان در تورات و انجیل هست، همانند کشته‌ای که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد (، ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و پاداش بزرگی داده است (الفتح/۲۹).

در این آیه مبارک، در توصیف امت اسلام، با جمله ﴿فَاسْتَعْلَظَ فَاَسْتَوَىٰ عَلٰی سُوْقِهِ﴾ روبه‌رو می‌شویم. مسلماً تا چنین هدفی در عملیات اقتصادی منظور نگردد و مسلمانان خود را از دنباله‌روی کردن خلاص نکنند، نه تنها در اقتصاد، پیوسته شکست می‌خورند، بلکه در اخلاق و فرهنگ که منشأ هر گونه شکست مادی و معنوی دیگر است، شاهد سقوط قطعی خود خواهند بود. از این رو، مسلمین باید اقتصادی خودکفا و غیر متکی به غیر داشته باشند (ر.ک؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). در سوره انفال نیز می‌خوانیم: ﴿۵: هر چه در توان دارید، از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این (تدارکات)، دشمن خدا و دشمن خودتان و (دشمنان) دیگری را جز ایشان - که شما آنان را نمی‌شناسید و (تنها) خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید، و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (الأنفال/۶۰).

- قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات بسیاری شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع، پیش روی آنان نهاده است. - در سیره پیشوایان معصوم (ع) نیز فعالیت‌های اقتصادی افراد، ارزش بالایی دارد. آن بزرگوران، کارگران و تولیدکنندگان را بسیار تشویق می‌کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) این بوده که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می‌کشیدند و هیچ‌گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی‌کردند. - قرآن کریم تصرف در عوامل تولید و نهاده‌هایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه می‌کند و به شکر این نعمت‌ها و استفاده درست از آنها تأکید و دوری کردن از تصرف در عوامل تولید را پیروی از گام‌های شیطانی دانسته است و نکوهش می‌کند.

- رونق تولید داخلی و کاستن از واردات که می‌تواند به افول و کم‌رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان می‌شود.

^۳ - وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

^۴ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي السُّورَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّارِعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

^۵ - وَأَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَغْلَمُونَ

- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولید، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولید خارجی و کاهش واردات و حمایت از تولید ملی، از عوامل مهم تحرک و رونق اقتصاد داخلی می‌باشد.

۴-۳- حق بر معیشت در قانون مدیریت خدمات کشوری

قانون مدیریت خدمات کشوری مشتمل بر ۱۲۸ ماده و ۱۰۶ تبصره در جلسه مورخ هشتم مهر ماه ۱۳۸۶ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال، در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۸ به تائید شورای نگهبان رسید و در تاریخ ۸۶/۷/۲۵ جهت اجرا طی نامه‌ای از سوی رئیس مجلس به دولت ابلاغ گردید. در این قانون بر لزوم حمایت از حق معیشت اشاره شده است؛ امور حاکمیتی که در این قانون آمده است آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.

از قبیل:

الف- سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت در بخش های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

ب- برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و باز توزیع درآمد.

ج- ایجاد فضای سالم برای رقابت و جلوگیری از انحصار و تضييع حقوق مردم.

د- فراهم نمودن زمینه ها و مزیت های لازم برای رشد و توسعه کشور و رفع فقر و بیکاری.

ک- ارتقای بهداشت و آموزش عمومی، کنترل و پیشگیری از بیماریها و آفت‌های واگیر، مقابله و کاهش اثرات حوادث طبیعی و بحران های عمومی.

ماده ۱۱ این قانون به امور اقتصادی اشاره داشته و بیان داشته آن دسته از اموری است که دولت، متصدی اداره و بهره برداری از اموال جامعه است و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق خصوصی عمل می کند از قبیل: تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل، بازرگانی، مسکن و بهره برداری از طرح های مندرج در ماده ۱۰ این قانون.

۴-۱- حق بر معیشت در اسناد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)

در این قسمت با توجه به اهمیت غذا در تحقق حق بر معیشت سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد به ارکان این سازمان پرداخته می شود.

۱-۱-۴- تاسیس سازمان خواربار کشاورزی جهانی

موضوع تاسیس سازمان خواربار کشاورزی جهانی برای اولین بار در کنفرانس خواربار کشاورزی که در ماه مه ۱۹۴۳ به دعوت روزولت در ایالت ویرجینیای آمریکا تشکیل گردید، مطرح شد. شرکت کنندگان در کنفرانس مذکور در زمینه انجام اقداماتی همه جانبه علیه فقر و گرسنگی در جهان به توافق رسیدند. کنفرانس در این رابطه کمیته‌ای را برای بررسی و تحقیق در مورد ایجاد سازمانی جهانی که در این زمینه بتواند فعالیت کند، تشکیل داد. بالاخره در شهر کبک در اولین اجلاس (۱۶ اکتبر تا اول ژانویه ۱۹۴۵) طرح تاسیس سازمان مذکور به وسیله نمایندگان ۳۰ کشور شرکت کننده مورد قبول واقع شد. اساسنامه فائو در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵ توسط ۴۴ کشور که نمایندگان ۸۸ درصد از جمعیت روی زمین بودند به امضا رسید و در همان تاریخ لازم‌الاتباع گردید. کنفرانس، شورا و دبیرخانه، ارگان‌های اصلی سازمان هستند. کنفرانس بالاترین ارگان سازمان خواربار کشاورزی جهانی است که هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. اعضای اصلی و ناظر هر کدام می‌توانند یک نماینده در

کنفرانس داشته باشند، ولی فقط اعضای اصلی از حق رای برخوردار هستند. کنفرانس به عنوان بالاترین ارگان سازمان به مسائلی چون چارچوب فعالیت‌ها، بودجه، قبولی عضو جدید و امثالهم رسیدگی می‌کند. شورای سازمان یک ارگان اجرایی است که قبل از سال ۱۹۴۷ به نام کمیته اجرایی خوانده می‌شد. شورا متشکل از ۴۲ نماینده است که از طرف کنفرانس انتخاب می‌شوند. شورا وظایفی که به آن محول می‌شود را انجام می‌دهد و علاوه بر این دبیر کل سازمان را در تنظیم برنامه‌ها و بودجه سازمان کمک و راهنمایی می‌کند. کنفرانس می‌تواند با تصویب دو سوم آراء پیشنهادهای به اعضا جهت هماهنگ کردن قوانین آنها با مقررات سازمان ارائه دهد. کنفرانس و شورا از حق انعقاد موافقت‌نامه نیز برخوردار هستند.

۲-۱-۴- شورای سازمان فائو

شورای سازمان فائو دارای یک سری کمیته است که مقدمات انجام امور برای سازمان را مهیا می‌کنند. کمیته هماهنگی که اکنون کمیته برنامه‌ریزی خوانده می‌شود بر برنامه‌های سازمان ملل متحد راجع به مسائل مربوطه نظارت دارد، کمیته مالی مسائل مالی شورا را بررسی کرده و ارائه طریق می‌کند. کمیته دیگری اطلاعات مربوط به مواد اولیه را جمع‌آوری کرده و آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند. بالاخره کمیته ماهیگیری بر مسائل مربوط به ماهیگیری در سطح بین‌المللی نظارت دارد. کمیته‌ای که در سال ۱۹۷۱ تاسیس گردیده نیز مسائل جنگل و مراتع را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بالاخره کمیته کشاورزی نیز که در همان سال به وجود آمد عهده‌دار بررسی مطالعه مسائل کشاورزی بین‌المللی است. سازمان فائو علاوه بر کمیته‌های مذکور از خدمات کمیته‌های تخصصی دیگری نیز که بعضاً به صورت کمیته‌های مختلط با سایر سازمان‌های بین‌المللی به وجود آمده‌اند، استفاده می‌کند. فعالیت فائو در سطح بین‌المللی منجر به ایجاد سازمان‌های بین‌المللی خاصی نیز شده است که از این جمله می‌توان «کمیسیون اروپا برای کنترل مواد غذایی»، «کمیسیون بین‌المللی برنج» و «شورای ماهیگیری عمومی در مدیترانه» را نام برد.

۳-۱-۴- برنامه غذای جهانی

برنامه غذای جهانی توسط هیئت اجرایی این سازمان که شامل ۳۶ کشور عضو است، اداره می‌شود که حمایت، هدایت و نظارت بر فعالیت‌های برنامه جهانی غذا را بین دولت‌ها فراهم می‌کند. (آقائی، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۱۸۰-۱۶۰). این سازمان توسط یک مدیر اجرایی اداره شده که به طور مشترک توسط دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر کل سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد منصوب می‌شود. مدیر اجرایی برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود و مسئولیت مدیریت سازمان و همچنین اجرای برنامه‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های دیگر را به عهده دارد. آقای دیوید بیزلی از سال ۲۰۱۷ عهده‌دار این مسئولیت بوده است. برنامه جهانی غذا همچنین دارای یک قائم مقام مدیر اجرایی و سه دستیار با شرح وظایف خاص است. فعالیت‌های سازمان در برنامه استراتژیک آن، که هر چهار سال یکبار تجدید می‌شود، شکل می‌گیرد. برنامه استراتژیک ۲۰۱۱-۲۰۲۱ برنامه جهانی غذا با آرمان‌های توسعه پایدار هم راستاست، با تمرکز بر پایان دادن به گرسنگی و کمک به مشارکت جهانی برای اجرای آرمان‌های توسعه پایدار. برنامه جهانی غذا به طور کامل با کمک‌های داوطلبانه اداره می‌شود. اهدا کنندگان مالی اصلی آن دولت‌ها هستند، اما این سازمان همچنین کمک‌های مالی را از سوی بخش خصوصی و افراد نیز دریافت می‌کند. سازمان‌های تخصصی زیرمجموعه سازمان ملل با هدف کمک به بهبود استانداردهای زندگی در سراسر جهان و در بخش‌های ویژه‌ای فعالیت دارند. این‌گونه سازمان‌های تخصصی از طریق تأمین منابع مالی و تجهیزات، مطالعات علمی و ... کمک‌های تخصصی در زمینه‌های ویژه، فعالیت خود را به کشورهای عضو سازمان ملل ارائه می‌کنند. فائو اولین سازمان تخصصی سازمان

ملل متحد است که بعد از جنگ جهانی دوم تأسیس شد. در حال حاضر ۱۹۲ کشور در جهان، عضو این سازمان هستند. مقر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در شهر رم پایتخت ایتالیا است. (آقایی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶).

تغذیه، اساسی‌ترین حق از حقوق بشر است. در طول تاریخ، گرسنگی‌های مزمین ناشی از جنگ، خشکسالی، فقر یا بلاهای طبیعی، درد و رنج بسیاری را برای بشر به همراه آورده است. در کشورهای در حال توسعه، ۸۰۰ میلیون نفر دچار سوء تغذیه مزمین‌اند و از این میان نزدیک به ۱۹۲ میلیون کودک زیر پنج سال به‌طور مزمین یا حاد از نبود پروتئین و کالری رنج می‌برند. البته در دنیا پیشرفت‌هایی در زمینه کاهش نسبی آمار فقرا و نیز کاهش آمار مطلق فقرای جهان، وجود داشته است. پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۱۰، جمعیت افراد فقیر تا ۷۳۰ میلیون نفر کاهش یابد. (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲-۱۸۳).

مبنای پیدایش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، مؤسسه جهانی کشاورزی مستقر در رم (۱۹۰۵) است. مؤسسه مذکور در زمان حیات "جامعه ملل"، روابط نزدیکی در رابطه با مبادله اطلاعات با سازمان بهداشت جهانی و سازمان بین‌المللی کار داشت؛ علاوه بر این در زمینه حمایت از گیاهان و دفع آفات نیز نقش مؤثری ایفا کرده بود. پس از تأسیس فائو، از مؤسسه مذکور به‌عنوان دفتر منطقه‌ای اروپایی استفاده می‌شد؛ تا اینکه بالأخره مؤسسه در سال ۱۹۴۸ رسماً منحل شده و وظایف آن نیز به‌عهده فائو گذارده شد. سازمان خواربار و کشاورزی جهانی در ماه مه سال ۱۹۴۳ به‌دعوت روزولت (رئیس جمهور وقت آمریکا) در ایالت ویرجینیای آمریکا تشکیل شد. شرکت‌کنندگان در کنفرانس مذکور در زمینه انجام اقداماتی همه‌جانبه علیه فقر و گرسنگی در جهان به توافق رسیدند. کنفرانس، در این رابطه کمیته‌ای را برای بررسی و تحقیق در مورد ایجاد سازمانی جهانی که در این زمینه بتواند فعالیت کند تشکیل داد. بالأخره در شهر کوپک کانادا در اولین اجلاس (۱۶ اکتبر تا اول ژانویه ۱۹۴۵) طرح تأسیس سازمان مذکور به‌وسیله نمایندگان ۳۰ کشور شرکت‌کننده قبول شد. اساسنامه فائو در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵ توسط ۴۴ کشور که نمایندگان ۸۸ درصد از جمعیت روی زمین بودند، به امضا رسید و در همان تاریخ لازم‌الاجرا گردید. ایران نیز در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶ ه.ش) به‌عضویت فائو درآمد. علاوه بر این، ایران عضو کمیسیون منطقه‌ای تولید و بهداشت دام برای آسیا و خاور دور و جنوب غربی اقیانوس آرام نیز می‌باشد. (موسی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷).

۴-۱-۴- اهداف کلی سازمان فائو

هدف سازمان فائو کمک به گسترش اقتصاد جهانی و تقویت رفاه عمومی است. به‌منظور دستیابی به این اهداف، فعالیت‌های خود را حول محورهای زیر انجام می‌دهد:

۱. بالا بردن سطح تغذیه و استانداردهای زندگی مردم

۲. اصلاح تولید و توزیع محصولات غذایی و کشاورزی

۳. بهبود وضع جمعیت روستایی

برنامه جهانی غذا (World Food Programme)، نهاد اعطاکنده کمک‌های غذایی سازمان ملل است که از سال ۱۹۶۳ فعالیت خود را آغاز کرد. این نهاد در هنگام بروز خشکسالی یا قحطی در کشورهای در حال توسعه با انگیزه خوداتکایی اجتماعات، کمک غذایی برای آسودگی مردم فراهم می‌آورد.

سازمان جهانی غذا یک نهاد چندجانبه است که به‌منظور تهیه کمک‌های غذایی برای قحطی زدگان در کشورهای در حال توسعه ایجاد گردیده است. برنامه جهانی غذا پس از بانک جهانی، عمده‌ترین منبع اعطای کمک در سازمان ملل است؛ که به اعطای واقعی منابع می‌پردازد و بزرگترین منبع کمک‌های بلاعوض در سیستم سازمان ملل است. این برنامه، در سیستم سازمان ملل بیشترین سهم را در گسترش تجارت میان کشورهای در حال توسعه دارد و از طریق خرید مواد غذایی و خدمات

کشورهای مورد بحث عمل می‌کند. هیئت اعزامی برنامه جهانی غذا، کمک‌های غذایی برای پناهندگان و دیگر افراد درگیر در شرایط اضطراری فراهم می‌کند تا وضعیت زندگی این گروه‌ها را بهبود بخشد و به افزایش دارایی‌شان و نیز به تشویق خوداتکایی خانوارها و کشورهای فقیر کمک کند. در اجلاس جهانی غذا در نوامبر ۱۹۹۶ برنامه جهانی غذا متعهد گردید که تلاش نماید تا سال ۲۰۱۵ میلادی شمار افراد زیر خط فقر را به ۵۰ درصد کاهش دهد. این نهاد بین‌المللی در اعطای کمک‌های غذایی کشورهای بسیار فقیر و کم‌درآمد را در اولویت قرار می‌دهد. در طی سه دهه گذشته، برنامه جهانی غذا نزدیک به ۲۴ میلیارد دلار و بیش از ۴۳ میلیون تن مواد غذایی برای تغذیه گرسنگان، بهبود شرایط اقتصادی و توسعه اجتماعی و نیز ارائه کمک‌های حیات‌بخش در مواقع اضطراری، در جهان اختصاص داده است. کمک‌های غذایی حیات‌بخش برنامه جهانی غذا، میلیون‌ها انسان مواجه با قحطی و گرسنگی و خشکسالی را دربرگرفته است. از سال ۱۹۹۲ بخش اعظم کمک‌های غذایی این سازمان به پناهندگان ارائه شده است. همچنین برنامه‌های غذا با هدف رشد تأمین نیازهای کودکان دبستانی، زنان باردار و شیرده و سالخورده‌گان به اجرا در می‌آید.

برنامه جهانی غذایی (WFP) در حال حاضر از ۲۲۵ طرح توسعه و در ۸۳ کشور و حدود ۵۰ عملیات امدادسانی در ۴۱ کشور پشتیبانی می‌کند.

۲-۴- اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر آرمان مشترکی برای تمام ملل جهان محسوب می‌شود که براساس آن همه مردم فارغ از هرگونه نژاد، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و ... از همه آزادی‌ها بهره‌مند می‌شوند و به‌وسیله آن به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند.

پس از فاجعه تاریخی ناسیونال سوسیالیسم در آلمان و جنایات نژادپرستانه هیتلر علیه یهودیان، دگراندیشان، مخالفان و مردم کشورهای دیگر، اتحادی جهانی برای تشکیل یک نظم نوین جهانی به وجود آمد و قرار شد تا بر پایه ارزش‌های مدرن، حقوق بشر مقرر شود. بنابراین فعالان و متفکران حقوق بشر به این امر واقف بودند که پیروزی در جنگ جهانی دوم بر نازی‌ها و دولت‌هایی که متحدان آنها بودند به تنهایی نمی‌تواند به تنهایی صلح سیاسی در جهان منجر شود به همین دلیل هم می‌بایست منشوری تهیه کرد تا حقوق ملت‌ها را تضمین کند به همین دلیل هم اعلامیه جهانی حقوق بشر را تهیه و در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به تصویب رساندند.

۲-۲-۴- اهداف اعلامیه حقوق بشر

با اذعان به اینکه صلح جهانی آرمان بشر است و اینکه صلح و عدالت لازمه حتمی تحقق کامل حقوق و آزادی‌های اساسی انسان، رسماً اعلام می‌دارد که:

- ۱) لازم است اعضای جامعه بین‌المللی تعهدات خطیر خود را در زمینه بسط و تشویق احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی عموم افراد بشر، بدون توجه به وجوه امتیاز از هر نوع از جمله نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره ایفا کنند.
- ۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر مبین تفاهم مشترک ملل جهان در زمینه حقوق غیرقابل سلب و نقض عموم اعضای خانواده بشری بوده متضمن تعهدی برای اعضای جامعه بین‌المللی است.
- ۳) هدف نخستین سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر، برخورداری یکایک افراد از حداکثر آزادی و حیثیت است. برای تحقق این مقصود، قوانین هر کشوری باید آزادی بیان، آزادی کسب اطلاعات، آزادی ایمان و مذهب و نیز حق شرکت در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور را برای عموم افراد، صرف‌نظر از نژاد، زبان، مذهب یا اعتقاد سیاسی تأمین کند.

۴) کشورها باید عزم خود را مبنی بر اعمال مؤثر اصول راجع به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر که در منشور ملل متحد و سایر اسناد بین‌المللی به ودیعه سپرده شده مؤکداً اعلام دارند.

۵) چون حقوق و آزادی‌های اساسی بشر غیرقابل تفکیک‌اند، تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی بدون بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکانپذیر نیست. تأمین پیشرفت پایدار در زمینه اعمال حقوق بشر بستگی تام به اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی صائب و مؤثر در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد.

۳-۴- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که گاهی از آن به عنوان سند منعکس‌کننده حقوق نسل دوم یاد می‌شود و با علائم اختصاری (ICESCR) بیان می‌گردد از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر است که ابعاد گوناگون آن به شرح زیر مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۱-۳-۴- فرآیند تدوین میثاق

در سال ۱۹۴۷ میلادی تصمیم گرفته شد منشوری بین‌المللی حاوی سه سند تدوین شود؛ اعلامیه‌ای غیرالزام‌آور با ماهیت کلی، کنوانسیون‌هایی که دایره محدودتری داشته باشد و سندی که شیوه‌های اجرایی در آن بیان شود.

کمیسیون حقوق بشر به سرعت متن اعلامیه غیرالزام‌آور را تکمیل نمود که پس از بازبینی مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ م با عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد. در سال ۱۹۴۸ م مجمع عمومی از کمیسیون خواست تهیه پیش‌نویس میثاقی درباره حقوق بشر و اقدامات اجرایی آن را در اولویت قرار دهد کمیسیون در اجلاس پنجم خود بررسی میثاق را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد اما در اجلاس ششم در سال ۱۹۵۰ م کمیسیون به این نتیجه رسید که به جهت نیاز به وقت زیاد برای بحث از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و لزوم مشورت با کارگزاری‌های تخصصی مربوط به میثاق مجزایی برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در اجلاس بعدی خود در سال ۱۹۵۱ م آغاز کند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای که ابتداء در پنجمین اجلاس خود در سال ۱۹۵۰ تصویب نمود بر این نکته تأکید نمود که آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و بهره‌مندی از این حقوق و آزادی‌ها به هم مرتبط و وابسته‌اند. به رغم چنین توصیه‌ای کمیسیون باز هم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منزله دسته متمایزی از حق‌ها تلقی می‌نمود و اقدام به تدوین موادی جداگانه برای آن نمود. شورای اقتصادی و اجتماعی که احتمال ناکارآمدی قرار داشتن میثاق در میثاق دیگر (به معنای داشتن دو نظام اجرایی مجزا) را می‌داد از مجمع عمومی درخواست کرد در تصمیم خود تجدید نظر نماید و اجازه دهد میثاق پیش‌نویس به دو سند مجزا تقسیم شود. پس از طی روندی مجمع عمومی برخلاف تصمیم قبلی خود از کمیسیون خواست دو میثاق در خصوص حقوق بشر تدوین نماید. پس از آن در اجلاس‌های متعدد و طولانی روند تدوین پیش‌نویس میثاق پی‌گیری شد تا این که بخش اساسی میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عملاً در سال ۱۹۶۲ م تکمیل شد. این عمل در حالی رخ داده بود که مجمع عمومی در نهمین اجلاس خود در سال ۱۹۴۵ نتیجه فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر را به کمیته سوم جهت بررسی ماده به ماده احاله کرده بود. در نهایت پس از طی این روند طولانی میثاق مذکور به همراه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری آن در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م تصویب و جهت امضای دولت‌ها مفتوح ماند. میثاق مذکور به دنبال تودیع سی و پنجمین سند آن در سوم ژانویه ۱۹۷۶ م لازم‌الاجرا شد. (شریفیان ۱۳۸۰، ص ۱۱۸)

۲-۳-۴- مشخصات و محتوای میثاق

متن میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از یک مقدمه و سی و یک ماده که در قالب پنج بخش تفکیک شده بودند تشکیل شده است.

مشابه مقدمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی است و به نحوی میثاق را در سیاق منشور سازمان ملل متحد قرار می‌دهد و به نحوی مفاد آن را جزئی از تعریف تعهدات برخاسته از منشور می‌داند.

بخش اول میثاق: تنها از یک ماده تشکیل شده که بر حق همه ملتها به تعیین سرنوشت خود تأکید شده و به موجب آن ملتها می‌توانند وضعیت سیاسی خود را به طور آزادانه تعیین نمایند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین نمایند.

بخش دوم میثاق: شامل مواد دوم تا پنجم می‌شود که مقرراتی را تدوین نموده که به صورت کلی بوده و نسبت به تمامی مقررات ماهوی بخش سوم اعمال می‌شود. مقررات این بخش عمدتاً شامل تعهدات کلی دولت‌ها (ماده ۲ بند ۱)، اصل عدم تبعیض (ماده ۲ بند ۲)، تساوی حقوق زن و مرد (ماده ۳) و محدودیت‌های کلی (مواد ۴ و ۵) می‌شود. تذکر این که در این قسمت مشابه میثاق حقوق مدنی و سیاسی عمل نشده و به غیر قابل انحراف بودن برخی حقوق هیچ اشاره‌ای نشده است.

بخش سوم میثاق: که از مواد ۶ تا ۱۵ را شامل می‌شود می‌توان قلب میثاق دانست که در آن حق‌های ماهوی مورد حمایت در میثاق که بیان شده است. در ماده ۶ حق برکار، در ماده ۷ حق بر شرایط منصفانه استخدام، در ماده ۸ حق پیوستن و تشکیل اتحادیه‌های صنفی، در ماده ۹ حق تأمین اجتماعی، در ماده ۱۰ حق حمایت از خانواده، در ماده ۱۱ حق بهره‌مندی از استاندارد کافی زندگی، در ماده ۱۲ حق سلامتی، در ماده ۱۳ و ۱۴ حق آموزش و پرورش و در ماده ۱۵ حق فرهنگ مورد حمایت قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده‌اند.

بخش چهارم میثاق: مربوط به تبیین عناصر اصلی نظام نظارتی بر آن می‌باشد. این بخش مقرراتی را تدوین نموده که به موجب آن دولت‌های عضو ملزم به ارائه گزارش‌هایی ادواری به سازمان ملل متحد در خصوص اقدامات انجام شده توسط آنها و توسعه‌های صورت گرفته در جهت دستیابی و رعایت حقوق مندرج در این میثاق نموده است.

بر خلاف مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی نظام دریافت شکایت از افراد یا دولت‌ها در این نظام پیش بینی شده است.

گزارش‌های دولت‌ها توسط شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش پنجم میثاق: حاوی نکاتی درباره شیوه تصویب و لازم الاجرا شدن میثاق است. بدین ترتیب که ماده ۲۶ میثاق را جهت امضای هر دولت عضو سازمان ملل متحد، اعضای کارگزاری‌های تخصصی یا دولت عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مفتوح می‌داند. همچنین دولت‌هایی که مجمع عمومی از آنان دعوت نموده نیز می‌توانند عضو میثاق شوند. ماده ۲۷ میثاق را پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب با الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل لازم الاجرا می‌داند. ماده ۲۸ هم ناظر به اعمال و اجرای مقررات میثاق نسبت به تمامی اجزای دولت‌های فدرال بدون محدودیت یا استثناء است. ماده ۲۹ هم ناظر به روند اصلاح مقررات میثاق بوده و ماده ۳۱ هم در مورد زبانهای معتبر در میثاق است. (چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی).

حمایتی که میثاق مزبور از حقوق اقتصادی به عمل آورده گسترده و کلی است اما گنجاندن حق بر تعیین سرنوشت در متنی معاهده‌ای حقوق بشری که در درجه نخست به وضعیت افراد می‌پردازد تا حدودی مورد سؤال است و دارای ابهاماتی می‌باشد. علاوه بر این، حق مالکیت که بی تردید در زمره حقوق اقتصادی محسوب می‌شود جایگاهی در میثاق ندارد و در میان فهرست حقوق وجود ندارد. علاوه بر این، میثاق مذکور بر خلاف منشور اجتماعی اروپا گروه‌های خاصی را که نیازمند حمایت خاص

هستند مشخص نمی‌کند و تنها به وضعیت زنان و کودکان اشاره نموده که امری ایده آل نیست و ضروری بود از وضعیت کارگران مهاجر، سالمندان و معلولان ذهنی یا جسمی و اتباع بیگانه نیز حمایت‌های خاصی را به عمل می‌آورد. البته بی تردید حمایت‌های میثاق معطوف به این افراد می‌شود ولی بحث آن است که تأکید بر بهره‌مندی از حمایت‌های خاص نسبت به آنان امری مطلوب‌تر به شمار می‌آید.

۳-۳-۴- نظام نظارتی میثاق

مواد ۱۶ تا ۲۵ میثاق که در بخش چهارم آمده دولت‌ها را ملزم به ارائه گزارش در مورد اقداماتشان در راستای اجرای مواد میثاق نموده است. گزارش‌ها تسلیم سازمان ملل شده و از طریق او به شورای اقتصادی و اجتماعی یا سایر سازمان‌های تخصصی ارجاع می‌شود. با چنین تصریحی مشخص می‌شود نظام نظارتی یا اجرایی که در میثاق انتخاب شده نظام گزارشی دهی است، در مقابل نظام عرض حال (شکایت) که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی وجود دارد. این گونه نظام نظارتی از نظر سیاسی دارای حساسیت کم تری است و تا حد زیادی به حسن نیت دولت‌های مربوط وابسته است و نهاد نظارتی هم صرفاً مأموریت دارد به دولت‌های عضو مساعدت نموده و مشورت‌های لازم را ارائه نماید و از این جهت چنین سیستمی دارای کارکرد ارتقاء دهنده حقوق بشر یا راست آزمایی می‌باشد. از این روی برخی برکارآمدی چنین نظامی انتقاد نموده و آن را دولت محور و ناکارآمد و متناقض دانسته‌اند. اما با این حال، ابعاد ترویجی یا پیش گیرانه نظام نظارتی را به راحتی نمی‌توان انکار نمود. به هر حال در راستای این نظام نظارتی، شورای اقتصادی و اجتماعی ابتدا گروه‌های کاری را برای بررسی این گزارش‌ها تشکیل داد ولی چون این روش موفق نبود به جهات متعددی انتقاداتی به آن صورت گرفت سرانجام طی قطعنامه ۱۹۸۵/۱۷۰ م مقرر شد کمیته‌ای به نام کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شود. عمده اشکالات گروه کاری مربوط به آن می‌شد که این گروه ضوابطی برای ارزیابی گزارش‌ها یا شیوه‌ای مؤثر برای ارزیابی آنها ایجاد ننمود و بررسی‌های گزارش‌ها صوری و صرفاً با توجه به اختلاف نظرهای سیاسی صورت می‌پذیرفت و بیشتر توجه گروه کاری معطوف به جنبه شکلی گزارش‌ها شده بود و از توجه به ماهیت گزارش‌ها خبری نبود. در این ارزیابی‌ها هیچ نتیجه‌گیری یا توصیه‌ای وجود نداشت و ایرادات متعدد دیگری که در این مجال نمی‌گنجد.

در حال حاضر حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی متشکل از ۱۸ عضو کارشناس از میان افراد معرفی شده از سوی دولت‌های عضو که بر مبنای صلاحیت شخصی با رأی مخفی برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند در طی دو جلسه سه هفته‌ای که هر ساله در مقرر سازمان ملل در ژنو تشکیل می‌شود به بررسی گزارش‌های دولت‌های عضو می‌پردازند.

۴-۳-۴- نحوه اجرا و تعهدات دولت‌ها

بند یک ماده ۲ میثاق که در بخش دوم قرار دارد به نحوه اجرا و در ضمن تعهدات دولت‌ها در خصوص مقررات میثاق اشاره دارد. این قسمت به گونه‌ای تدوین شده است که آن را می‌توان در برگیرنده آمیزه‌ای از دو نوع تعهد دانست. در جایی که تحقق تعهدات مفرط به تأمین منابع و امکانات و گاه همکاری‌های بین المللی است که غالب حقوق از این دسته‌اند تعهد دولت‌ها فوری نیست و دولت باید اقدامات خاصی را با توجه به امکاناتش در راستای تحقق آنها (حقوق) انجام دهد. لذا چنین تعهداتی به تدریج انجام می‌شوند. اما پاره‌ای از تعهدات هستند که تحقق آنها فوری است و منوط به امکانات نیست؛ از جمله این که تضمین شود حقوق مندرج در این میثاق بدون تبعیض اجرا می‌شود و دیگر آنکه دولت‌ها گام‌هایی را در راستای تحقق حقوق بردارند، بنابراین اگر هیچ اقدامی از جانب دولت‌ها صورت نپذیرد بی‌تردید نقض میثاق تحقق پیدا کرده است. در

این قسمت می‌توان به الگوی سه وجهی از تعهدات دولت‌ها ارجاع نمود که در آن تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفاء جهت تبیین ماهیت تعهدات در حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بکار گرفته شده است و برای آگاهی از آن به بحث مستقل در خصوص ماهیت تعهدات در نظام حقوق بشر ارجاع می‌شود.

۴-۴- سازمان بین‌المللی کار

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ پس از پایان جنگ جهانی اول در زمانی که کنفرانس صلح در کاخ ورسای بر پا بود، شکل گرفت. نیاز به پیدایش چنین سازمانی در قرن نوزدهم به وسیله دوتن از صنعتگران ولزی و فرانسوی یعنی رابرت اوون و دانیل لگراند مورد تأکید و پیگیری قرار گرفته بود. پس از آنکه طرح مذکور در خلال همکاری‌های بین‌المللی جهت تدوین قانون کارگران در سال ۱۹۰۱ در باسل مورد توجه قرار گرفت. سازمان ILO با هدف تدوین مقررات و قوانین بین‌المللی در جهت بهینه‌سازی استانداردهای بین‌المللی کار و حصول اطمینان از بکارگیری آنها متولد شد.

قانون ILO در بین ماههای ژانویه و آوریل ۱۹۱۹ به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین‌المللی صلح تدوین شد. این کمیسیون ترکیبی بود از نمایندگان ۹ کشور بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا که رهبری کمیسیون را ساموئل گامپرس، رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) بر عهده داشت.

نتیجه این نشست بروز سازمان سه جانبه‌گرایی بود که تنها سازمانی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را در یک نقطه سامان می‌داد. قانون ILO فصل هشتم معاهده صلح ورسای است. اولین نشست سالانه سازمان بین‌المللی کار، همراه بود با دو نماینده از دولت و کارفرمایان و کارگران از هر کشور عضو که در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹ با یکدیگر ملاقات کردند. این نشست مسائل مربوط به شش مبحث اول قانون بین‌المللی کار را که درباره ساعات کار در صنایع، بیکاری، حفاظت از زنان باردار، ساعات کار شبانه زنان، حداقل سن کار و کار شبانه برای جوانان در صنعت می‌باشد، مشخص ساخت. در بخش بدنه مدیریت اجرایی ILO که توسط کنفرانس انتخاب شدند، نیمی از اعضا را نمایندگان که از طریق دولت‌هایشان معرفی شده بودند، یک چهارم آن را نمایندگان کارفرمایان تشکیل می‌دادند. آنها آلبرت توماس را به عنوان اولین مدیرعامل دفتر بین‌المللی کار انتخاب کردند که دبیر کل دائمی سازمان بود. او یک سیاستمدار برجسته فرانسوی با اعتقادات راسخ و دغدغه‌های اجتماعی بود که در دوران جنگ جهانی اول در دولت فرانسه مسئولیت وزارتخانه مهمات را برعهده داشت. در همان آغاز کار، اعتبار و قدرت خاصی به سازمان بخشید. در کمتر از دو سال، ۱۶ قانون بین‌المللی کار و ۱۸ توصیه نامه تدوین شد. در سال ۱۹۴۴، کنفرانس بین‌المللی کار بیانیه ای را تحت عنوان بیانیه فیلادلفیا تصویب نمود که این بیانیه به انضمام اساسنامه سازمان در حال حاضر منشور سازمان بین‌المللی کار را تشکیل می‌دهد. این بیانیه با تأکید مجدد بر اصولی که سازمان بر پایه آنها پی‌ریزی و تشکیل شد، برنکات زیر تأکید ورزید:

۱- کارگر یک کالا نیست

۲- آزادی بیان و تجمع برای توسعه پایدار امری لازم و ضروری است

۳- فقر در همه جا باعث ایجاد خطر برای خوشبختی می‌باشد

۴- همه افراد بشر حق دارند از رفاه مادی و رشد معنوی در فضایی آزاد و مطمئن، از امنیت اقتصادی و فرصتهای برابر برخوردار شوند.

این سازمان در طول سالیان متمادی با پشتکار و اعتقاد راسخ به اصول و قوانین خود پستی و بلندی های بسیاری را طی نمود اما هیچگاه در راه احقاق حقوق انسانی و بشری از پای ننشست و تاکنون ۳۴۹ کشور به عضویت این سازمان در آمده اند و قوانین و اصول این سازمان در همه نقاط جهان به اجرا گذاشته می شود. این سازمان همواره با تلاش برای حرکت به سمت جهانی با صلح پایدار گام برداشته است، چنانچه این سازمان برای آغاز قرن بیست و یکم ۴ استراتژی کلی تدوین و تعیین نموده که عبارتند از:

۱- ارتقا و تشخیص اصول بنیادین حقوق کار

۲- ایجاد فرصت های بیشتر برای زنان و مردان به منظور دستیابی به درآمد کافی و شغل مناسب

۳- افزایش پوشش و کارآیی حمایت های اجتماعی برای همه

۴- تقویت سه جانبه گرایی و گفت و گوهای اجتماعی

سازمان بین المللی کار، در قرن جدید بر تأمین اقتصادی و اجتماعی نیروی کار تأکید ورزید و این مسأله را لازمه کار مفید و حفظ کرامت انسانی در اقتصاد جهانی دانسته و در این راستا چارچوبی برای طراحی تمهیدات اجتماعی پایدار، شامل اصلاح و گسترش آنها ارائه داده است. (عراقی ۱۳۸۶ ص ۱۸۳)

اعلامیه حقوق بشر کار را در حوزه بین الملل مطرح نموده است و برای متعهدین قرار گذاشته است که هر کس حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب نماید. و هرکس حق دارد در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. همچنان در بند ۴ این ماده از آزادی سندیکا صحبت می کند که برای دفاع از حقوق خود کارگران حق تشکیل اتحادیه کارگری را دارد. هر کس حق دارند بدون هیچ تبعیضی در قبال کار اجرت مساوی دریافت دارند... هر کس که کار می کند به مزد منصفانه و رضایت بخش ذیحق می شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایتی تکمیل نماید. برخورداری از حقوق اجتماعی را نیز بگونه وسیع طرح نموده است که هر کس به عنوان عضو جامعه حق تأمین اجتماعی دارد.

سازمان **ILO** با هدف تدوین مقررات و قوانین بین المللی در جهت بهینه سازی استانداردهای بین المللی کار و حصول اطمینان از به کارگیری آنها متولد شد. قانون **ILO** در بین ماه های ژانویه و آوریل ۱۹۱۹ به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین المللی صلح تدوین شد. این کمیسیون ترکیبی بود از نمایندگان ۹ کشور بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا که رهبری کمیسیون را ساموئل گامپرس، رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (**AFL**) بر عهده داشت.

نتیجه این نشست بروز سازمان سه جانبه گرایی بود که تنها سازمانی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را در یک نقطه سامان می داد. قانون **ILO** فصل هشتم معاهده صلح و رسای است. هر ساله ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) به مناسبت روز جهانی ایمنی و سلامت شغلی شعاری توسط سازمان بین المللی کار (**ILO**) برای توسعه پایدار و الزامات مقابله نامه های مصوب برای کشورهای عضو، به شرح ذیل اعلام می گردد: ایجاد محیط های کاری سالم و ایمن برای جوانان و نسل آینده، بهبود جمع آوری و استفاده از داده های ایمنی و سلامت شغلی (**OSH**)، استرس در محیط کار یک چالش جمعی، تحقق کار شایسته با نهادینه سازی فرهنگ ایمنی و سلامت کار، ایمنی و بهداشت در استفاده از مواد شیمیایی هنگام کار، پیشگیری از بیماری های شغلی.

وظایف سازمان بین‌المللی کار عبارت‌اند از:

- در زمینه محیط و شرایط کار و حفاظت در کار، سازمان بین‌المللی کار وظایف زیر را انجام می‌دهد:
- بهبود امور حفاظت و بهداشت در محیط کار، جلوگیری از امراض و حوادث ناشی از کار و کنترل خطرهای محیط
 - ایجاد و تقویت موسسات تخصصی مانند موسسه‌های ملی کار، آزمایشگاه‌های بهداشت صنعتی، مراکز بهداشت و حفاظت کار و بخش‌های آموزش حفاظت
 - رسیدگی به مسائل مربوط به زمان کار (حداکثر کار قانونی، اضافه کاری، کار نوبتی و شب کاری) و مسائل پزشکی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها
 - تعیین محتوای مشاغل
 - کمک به گزینش تکنولوژی مناسب، به عنوان وسیله‌ای جهت بهبود و حفاظت شرایط و محیط کار
 - خدمات رفاهی (بویژه مسکن، تغذیه، بهداشت و آموزش)
 - تهیه متون مربوط به مطالعات فنی
 - کمک مستقیم به دولت‌ها، از طریق اعزام کارشناسان، اعطای بورس، تهیه تجهیزات، تنظیم و طرح آئین‌نامه‌ها و ارسال اطلاعات و غیره
 - کمک به سازمان‌های محلی حفاظتی و بهداشت کار و مراکز تحقیقات و انجمن‌های کارفرمایی و سندیکاهای کشورهای مختلف

این سازمان، متشکل از سه نهاد اصلی زیر می‌باشد که ارکان آن بوده و عبارتند از:

- ۱- کنفرانس سازمان بین‌المللی کار: این کنفرانس، در واقع، به منزله قوه مقننه سازمان بین‌المللی کار، محسوب می‌شود و تعیین‌کننده موازین بین‌المللی کار و راهبردهای لازم در خصوص آن به شمار می‌رود. این کنفرانس، هر سال یک بار تشکیل شده و مسائل و مشکلات مربوط به کار کارگران را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که در این کنفرانس، هر یک از کشورهای عضو، چهار نماینده، شامل دو نماینده دولت، یک نماینده از صنف کارگران و یک نماینده از صنف کارفرمایان دارد. در سال‌های گذشته، در این جلسات، مقاوله‌نامه‌هایی، همچون مقاوله‌نامه منع کار اجباری، به تصویب رسیده است.
- ۲- شورای مدیریت سازمان بین‌المللی کار: این شورا، یکی دیگر از ارکان سازمان بین‌المللی کار یا ILO بوده و به عنوان نهاد اجرایی سازمان بین‌المللی کار، هر سال، سه مرتبه تشکیل شده و صلاحیت اتخاذ تصمیم در مورد سیاست‌های کلی سازمان، تدوین برنامه‌های اداری و بودجه را بر عهده دارد. طبق اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، شورای مدیریت سازمان، از ۵۶ نفر عضو تشکیل شده است که از سوی مجمع عمومی و برای مدت سه سال، انتخاب می‌شوند.
- ۳- دفتر بین‌المللی کار: دفتر بین‌المللی کار، به عنوان دبیرخانه دائمی سازمان، مستقر در شهر ژنو می‌باشد. این دبیرخانه، ناظر بر تمامی فعالیت‌های سازمانی است که تحت نظر شورای مدیریت، به آن اشتغال دارد. لازم به ذکر است که کشور ایران، برخی از مقاوله‌نامه و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار یا سازمان جهانی ILO را در نظام حقوقی ایران به تصویب رسانیده است (آزادی پورجعفر، ۱۳۸۹، ص ۹۸)

مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد، توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان می‌باشد، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، برخوردار از

آزادی و رهایی از ترس میباشد. این خواست در صورتی میسر میشود که هر کس از حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود و همچنین از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار گردد. با توجه به منشور ملل متحد، دولت‌ها متعهد به رعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان و ترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای وظایفی هستند و برای تحقق بخشیدن و ترویج و رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق مسئول میباشند.

ماده ششم

۱. دولتهای عضو این میثاق، حق کار کردن را که شامل حق فرصت داشتن در انتخاب آزاد یا قبول شغلی جهت تامین معاش خود است، برسمیت می شناسند و اقدامات مناسب را در این جهت بعمل خواهد آورد.

۲. اقداماتی که بوسیله دولت عضو این میثاق جهت دستیابی و تحقق کامل این حقوق بعمل میاید، شامل راهنمایی، تربیت فنی و حرفه ای، طرح و برنامه ها، روشها و تدابیر فنی جهت دستیابی به توسعه مستمر و مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال کامل و سودآور و تحت شرایطی که آزادیهای سیاسی و اقتصادی افراد حفظ گردد، میباشند. ماده هفتم دولتهای عضو این میثاق حق هر فرد را در برخورداری از شرایط عادلانه و مساعد کار بویژه نسبت به حقوق زیر، برسمیت می شناسند:

الف: حداقل مزد که برای کارگران مقرر می باشد:

۱. دستمزد منصفانه و پاداش برای کار با ارزش مساوی بدون هیچگونه تمایز، بویژه برای زنان تضمین شود که شرایط کار آنها پایین تر از شرایط و مزایای مردان نباشد و آنها برای کار مساوی (با مردان) دستمزد مساوی دریافت می دارند.

۲. معاشی شایسته برای آنها و خانواده شان طبق مقررات این میثاق

ب: شرایط بهداشتی و ایمنی کار.

ج: ایجاد فرصتهای مساوی برای هر کس که بتواند (موقعیت) شغلی خود را به مدارج مناسب و بالاتر بدون هیچ ملاحظاتی جزء سابقه خدمت و شایستگی، ارتقاء دهد.

ه: استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های متناوب با استفاده از دستمزد و همچنین مزد برای تعطیلات رسمی.

ماده هشتم

۱. دولتهای عضو این میثاق متعهد و متضمن میگردند که:

الف: هر کس حق تشکیل اتحادیه صنفی و یا پیوستن به اتحادیه صنفی با انتخاب خود را دارد. (تشکیل و یا پیوستن به اتحادیه) بمنظور دستیابی و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی فرد است. هیچ محدودیتی جهت اعمال این حق وجود ندارد مگر آنکه (این محدودیتها) در یک جامعه دموکراتیک، برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد و بوسیله قانون صورت گیرد.

ب: اتحادیه ها حق دارند که فدراسیون ها و یا کنفدراسیون های ملی تشکیل دهند و نیز از حق پیوستن به سازمانها و اتحادیه های بین المللی برخوردار باشند.

ج: اتحادیه ها بدون هیچ محدودیتی حق فعالیت آزاد دارند مگر آنکه (این محدودیتها) بموجب قانون باشد و (وجود آنها) در یک جامعه دموکراتیک و برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

د: حق اعتصاب مشروط به رعایت مقررات ویژه دولت است.

۱. این ماده مانع از آن نخواهد شد که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات دولتی در (رعایت) اعمال این حقوق متحمل محدودیتهای قانونی شوند.

۲. هیچ یک از مقررات این ماده، دولتهای عضو میثاق سازمان بین المللی کار ۱۹۴۸ که (مواد آن) بر مبنای آزادی تشکیل انجمن و حمایت از حق سازماندهی است را مجاز نمی دارد که با اتخاذ اقدامات قانونی و یا اجرای قوانینی در صدد آسیب رساندن به تضمین های پیش بینی شده این میثاق برآیند.

ماده نهم دولتهای عضو این میثاق حق تأمین اجتماعی که شامل بیمه های اجتماعی هر فرد است را برسمیت می شناسند. موسی زاده، سازمان ۱۳۸۲، صفحه ۲۰۷).

۱-۵- نتیجه گیری

با توجه به مطالب تحلیل شده در مقاله چنین می توان نتیجه گیری نمود که سزاواری و استحقاق انسان برای حق معاش از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی یا به اصطلاح علم اقتصاد حق تأمین اجتماعی بر چهار اصل موضوعه مبتنی است: نخست این که هدف اساسی از خلقت انسان، شناخت خالق خود و عبادت اوست. دوم این که عبادت آفریدگار و دستیابی به کمالات معنوی مستلزم تداوم حیات مادی بشر است. سوم این که تداوم حیات مادی انسان، جز با تأمین نیازهای مادی و ضرورت های اجتماعی وی امکان پذیر نیست و چهارم این که عدم تأمین نیازهای اساسی انسان و ضروریات اجتماعی وی از سوی آفریدگار نقض غرض است که امری قبیح است و ساحت باری تعالی از آن میراست. بنابراین، حق معاش به عنوان یک حق اساسی شهروندی از دیدگاه اسلام به رسمیت شناخته می شود و به عنوان یکی از اصول موضوعه اقتصاد اسلامی به شمار می رود.

با توجه به آنچه یاد شد، حق معاش تأمین هم نیازهای فردی و هم ضرورت های اجتماعی را دربر می گیرد. مصادیق حق بر معیشت شامل بهداشت، تغذیه، مسکن، آموزش، تفریح می باشد، هر چند حد و مرز مفهوم معاش ثابت و روشن است، لیکن مصادیق آن با توجه به شرایط زمان و مکان در تغییرند.

دولت رفاه می تواند نقش مهمی در تحقق حق بر معیشت داشته باشد، دولت رفاه دولتی است که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه های خود را تأمین کنند یاری رسانی می کند. این کار از طریق پرداخت مستمری (حداقل درآمد) و یا کمک های نقدی دیگر انجام می شود. دولت رفاه به معنی وجود سیاست های سنجیده و هوشمندانه ای در زمینه تأمین دست کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت های زندگی است و در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز تمام توجه همه نهادهای رسمی بر تأمین خدمات همگانی وجود ندارد. در ادبیات موجود در زمینه دولت رفاه، تأکید بر دو اصل اساسی مورد ادعاست: ۱- تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد، و ۲- وجود دولت دموکراتیک. در این نظام دولت وظیفه دارد که امکانات بهداشتی درمانی، بیکاری و بازنشستگی، تأمین مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن را از زمان تولد تا مرگ برای همه شهروندان تأمین کند. با این حال منتقدان معتقدند که در دولت رفاه، علاوه بر ایجاد نابرابری، انگیزه لازم برای فعالیت اقتصادی از شهروندان گرفته خواهد شد و همچنین حق دخالت دولت در همه عرصه های زندگی شهروندان توسط دولت و تنگ شدن حیطه اختیار و آزادی شهروندان نتایج بدی برای جوامع نوین به دنبال خواهد داشت.

حق معاش انسان حقی است که امکان بهره‌مندی هر فرد از سبد کالایی مطابق سطح معیشت همان عصر را فراهم می‌کند و سطح معیشت در حقیقت شاخص استاندارد زندگی است که بر اساس مجموعه امکانات و محدودیت‌های یک جامعه در راستای تأمین نیازهای فردی و ضرورت‌های اجتماعی، مشخص می‌شود مانند حق بر تغذیه، حق بر آموزش، حق بر کار و طبق تعریف، نیازهایی زیستی که برای ادامه حیات جسمانی انسان ضروری است، نیازهای فردی، و الزامات اجتماعی که برای تحقق هدف خلقت وی ضرورت می‌یابد، ضرورت‌های اجتماعی می‌نامیم.

جامعه اسلامی جامعه‌ای نظام‌مند و سیستمی است که همه در برخورداری از حق معاش با یکدیگر برابرند، و تفاوت افراد در بهره‌مندی از مقدار رزق و روزی خداداد با برابری آنان در این حق منافات ندارد. آنچه افراد اضافه بر حق معاش از نعمت‌ها و برکات بهره‌مند می‌شوند، فضل خداوندی است و منابع و امکانات اقتصادی برای تأمین حق معاش انسان‌ها که بر خلاف خواسته‌های بشری محدود است، کفایت می‌کند.

در کل فرضیات تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرند حق معیشت در نظام حقوقی ایران به صراحت مورد تاکید قرار نگرفته است و قانونگذار توجه چندانی به این حق نداشته است و در قوانین مختلف مانند قانون اساسی قوانین مرتبط با تأمین اجتماعی و کار به طور غیر مستقیم به آن اشاره شده است.

اسناد بین‌المللی حق بر معیشت را به طور جدی مورد تاکید قرار داده‌اند مانند سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و بهداشت جهانی و تکالیف دولت‌ها را در این زمینه مشخص نموده‌اند.

۲-۵- پیشنهادات

- الف) شناسایی صریح حق بر معیشت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ب) مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان در تعیین حداقل‌های معیشت.
- ج) اضافه نمودن یک تبصره به قوانین بودجه سالانه مبنی بر الزام دولت به تأمین حداقل معیشت برای تمامی شهروندان ایرانی.

منابع

الف) کتاب ها :

- ۱- ابراهیمی نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). سازمان‌های مالی و پولی بین‌المللی، تهران، سمت، چاپ ششم.
- ۲- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). دانشنامه سیاسی، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی.
- ۳- آقایی، سید داوود. (۱۳۸۳). سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نسل نیکان، چاپ سوم.
- ۴- امامی، سید حسن حقوق مدنی، جلد اول، نشر اسلامیه چاپ چهارم.
- ۵- امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۸۱). مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر « جلد اول، قسمت اول، اسناد جهانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- ایده، اسیبورن؛ کراوزه، کاتارینا؛ روساس، اسن. (۱۳۸۹). «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه اردشیر امیر ارجمند با همکاری گروه مترجمان، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۷- پاکدامن، رضا. (۱۳۸۸). رویکردهای اجرایی و مبانی قانونی خصوصی سازی، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- ۸- پناهی، بهرام. (۱۳۷۶). مطالعه فرآیند عملیاتی نظام تأمین اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۱). مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش.
- ۱۰- دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
- ۱۱- رضانی قوام آبادی، محمد حسین. (۱۳۸۹). نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تدوین و اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، انتشارات خردسندی.
- ۱۲- شریفیان، جمشید. (۱۳۸۰). راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۱۸.
- ۱۳- صالح احمدی، سعید. (۱۳۶۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوقی کنونی (قضایی، اصولی، تفسیری، تشریحی، انتقادی و تطبیقی) از منظر حقوق خصوصی و حقوق عمومی، نشر کتاب آوا
- ۱۴- طاهری، حبیب الله. (۱۳۷۵). حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد اول.
- ۱۵- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۵). حقوق اداری، چاپ دوازدهم، تهران: سمت
- ۱۶- عراقی، سیدعزت اله. (۱۳۸۹). تحول حقوق بین‌المللی کار در دهه اخیر و تاثیر آن بر حقوق داخلی، شهریور ۱۳۸۶، موحیدیان، غلامرضا. حقوق کار. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فکرسازان.
- ۱۷- عراقی، عزت‌الله و همکاران. (۱۳۸۶). درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی (نقد قانون تأمین اجتماعی ایران بر اساس مطالعه تطبیقی)، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ نخست.
- ۱۸- قاری سید فاطمی، محمد. (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد اول.
- ۲۰- کریون، میتوسی. (۱۳۸۷). « چشم اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی » مترجم محمد حبیبی، چاپ اول، سازمان انتشارات دانشگاه مفید.

- ۲۱- گرجی، علی اکبر. (۱۳۸۸). مبانی حقوق عمومی، چاپ اول، تهران، جنگل
- ۲۲- محمدحسینی جور، راضیه. (۱۳۹۶). حق آزادی کار و محدودیت‌های آن در قانون اساسی، ناشر: راز نهان
- ۲۳- مدرس، علی اصغر. (۱۳۷۵). حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، تبریز، نوبل.
- ۲۴- مقدم، جاودانی. (۱۳۸۷). « ابعاد حقوقی و سیاسی جنگ غزه » دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- ۲۵- مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). نظام بین المللی حقوق بشر/ تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- ۲۶- موسی‌زاده، رضا. (۱۳۸۸). سازمان‌های بین‌المللی، تهران، میزان، چاپ دهم.
- ۲۷- همتی، مجتبی. (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل حقوق اقتصادی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظریه عدالت جان رالز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.

ب) مقالات:

- ۲۸- ابراهیم گل، علیرضا. (۱۳۸۷). « حق غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق » مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، شماره ۳۹.
- ۲۹- اسفندیاری، چنگیز. (۲۰۳۰). عنوان مقاله: حق بر سلامت و بهداشت عمومی از منظر حقوق بنیادین بشر با تاکید بر سند ۲۰۳۰ یونسکو، بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی.
- ۳۰- اکبرنژاد، حوریه. (۱۳۸۸). « جنگ علیه حقوق جنگ: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه » مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸.
- ۳۱- حسینی اکبرنژاد، هاله. (۱۳۸۸). « جنگ علیه حقوق انسانها: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه » مجله حقوقی بین الملل، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۰.
- ۳۲- حلیم زمهریز، ابوالفضل. (۱۳۸۸). « بررسی نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در فاجعه غزه » پژوهشنامه سی و نهم، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳۳- خزاریان، مهناز اخوان (۱۳۸۸). « اعمال حقوق بین الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه » مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۰.

ج) منابع عربی:

- ۳۴- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۲). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، تهران: مرکز انتشارات.
- ۳۵- امام خمینی، روح‌الله (۱۴۰۱ ق). تحریر الوسیله، ج ۱، بیروت: دارالتعاریف.
- ۳۶- الجبعی‌العاملی، زین الدین (بی‌تا) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۲، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
- ۳۷- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۴۷). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۶ و ۱۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۳۸- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲). تفسیر المیزان، ج ۳، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۸، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

(د) قوانین و مقررات:

۳۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۹

۴۰- قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴

۴۱- قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹

۴۲- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶